

خبرنامه

مطالعات جهان

نشریه داخلی انجمن ایرانی مطالعات جهان
سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۲

برنامه‌های گسترده دانشکده برای توسعه رشته ایرا نشناسی

دکتر مهدی آهوپی

دنگ شیائوپینگ؛ معمار اصلاحات در چین

دکتر رضا شیرزادی

واقعیت و مفهوم بلوف در روابط بین‌الملل

دکتر رضا دهقانی

مکتب کپنهاگ: مفاهیم و آموزه‌ها

دکتر رحمت حاجی‌مینه

تأثیر جریان‌های واگرا بر امنیت منطقه ای در خلیج فارس

کامران کرمی

رویکردهای سیاسی حزب عدالت و توسعه در خاورمیانه

رضا صولت

حقوق بشر و توسعه

مریم طهماسبی

تحلیلی از تحولات سوریه

سید محمدرضا موسوی

نگاهی گذرا به تشکیل و تحول اخوان المسلمین

سارا پارسا

The Turkish model governance for the Egyptian government

احسان اعجازی

به همراه گزارش نشست‌ها، کارگاه‌ها و معرفی پایان‌نامه



خبرنامه مطالعات جهان

نشریه داخلی انجمن ایرانی مطالعات جهان

سال اول، شماره ۲، بهار ۱۳۹۲

صاحب امتیاز: انجمن ایرانی مطالعات جهان

مدیر مسئول: دکتر سعید رضا عاملی

سر دبیر: دکتر سید اسدالله اطهری

هیئت تحریریه به ترتیب الفبا:

دکتر سید اسدالله اطهری، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر شعیب بهمن، دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر رحمت حاجی مینه، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر حسین دهشیر، استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر رضا دهقانی، استادیار دانشگاه تبریز

دکتر احمد سلطانی نژاد، استادیار دانشگاه تربیت مدرس

دکتر جواد شعریف، استادیار دانشگاه تهران

دکتر جواد صالحی، استادیار دانشگاه شیراز

دکتر سعیدرضا عاملی، استاد دانشگاه تهران

دکتر جهانگیر کریمی، استادیار دانشگاه تهران

دکتر عیسی گلوردی، دانشیار مرکز مطالعات راهبردی دفاعی

دکتر حسن لاسجودی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر ابراهیم متقی، استاد دانشگاه تهران

دبیران اجرایی: الهه قربان زاده

همکاران این شماره: سحر تقی پور

صفحه آرا: زهراسادات مرعشی

ویراستار: رمضانعلی ابراهیم زاده

طراح جلد: زهر اکبری

هیئت مدیره انجمن ایرانی مطالعات جهان:

دکتر سعیدرضا عاملی، استاد دانشگاه تهران (رئیس هیئت مدیره)

دکتر سید صدر الدین موسوی جشنی، استادیار پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی. (نایب رئیس)

دکتر سید اسدالله اطهری، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی. (خزانه دار)

دکتر قاسم انصاری، دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی. (عضو هیئت مدیره)

دکتر احمد سلطانی نژاد، استادیار و مدیر گروه روابط بین الملل دانشگاه تربیت مدرس. (عضو هیئت مدیره)

دکتر کامران احمدگلی، استادیار دانشگاه تربیت معلم. (عضو علی البدل هیئت مدیره)

دکتر حسام الدین آشنا، دانشیار دانشگاه امام صادق (ع). (عضو علی البدل هیئت مدیره)

دکتر جواد شعریف، استادیار دانشگاه تهران. (بازرس و مدیر اجرایی)

دکتر ناهید پور رستمی، استادیار دانشگاه تهران. (بازرس علی البدل)

مشاوران علمی:

دکتر ابراهیم متقی، استاد دانشگاه تهران

دکتر سعیدرضا عاملی، استاد دانشگاه تهران

دکتر کامران احمدگلی، استادیار دانشگاه تربیت معلم.

دکتر حسام الدین آشنا، دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)

دکتر ناهید پور رستمی، استادیار دانشگاه تهران

دکتر ابو محمد عسگرخانی، دانشیار دانشگاه تهران

دکتر محمد سمیعی، استادیار دانشگاه تهران

دکتر شکرخواه، استادیار دانشگاه تهران

نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، بالاتر از خیابان پانزدهم، پردیس شمالی دانشگاه

تهران، دانشکده مطالعات جهان

تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۲۸۵

تلفکس: ۰۲۱-۸۸۰۱۵۰۷۱

رایانامه: info@iwsa.ir

شبکه جهان گستر: http://iwsa.ir

مطالب، گفتگوها و اخبار خبرنامه لزوماً بیانگر دیدگاه‌های انجمن ایرانی مطالعات جهان نیست.

گزارش نشست‌ها

- ۴۱ ----- بررسی نقش ایران در تحولات عراق
- ۴۳ ----- همایش صلح و روابط بین‌الملل
- همایش پیشرفت و توسعه علمی کشور؛ راهکارها و
- ۴۷ ----- موانع اجرای برنامه پنجم توسعه
- دومین مجمع عمومی انجمن ایرانی مطالعات جهان ۵۱
- ۵۳ ----- کارگاه روابط بین‌الملل
- ۵۵ ----- نشست «گفتمان اسلام در اروپا»
- شیخ مصطفی رهنما؛ نکوداشت ۶۰ سال تلاش برای
- ۵۷ ----- آزادی فلسطین
- ۶۰ ----- کارگاه ترکیه‌شناسی
- ۶۳ ----- بررسی پنج قرن روابط ایران و اتریش

معرفی پایان‌نامه

- بررسی منازعات مسلحانه در فلسطین از منظر حقوق
- ۶۷ ----- بین‌الملل (معصومه امامیان)
- بررسی اجرای کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و نقض
- ۶۸ ----- حقوق بشردوستانه در فلسطین اشغالی (آذر کیانی)
- نگرش اصلاح‌طلبانه اسلام‌گرایی در ترکیه
- ۶۹ ----- (احمد جانسیر)

سخن سردبیر ----- ۴

برنامه‌های گسترده دانشکده برای توسعه



۵ ----- رشته ایران‌شناسی

دکتر مهدی آهویی

نگاه‌نخبگان

۷ ----- دنگ شیائوپینگ؛ معمار اصلاحات در چین



دکتر رضا شیرزادی

۱۱ ----- واقعیت و مفهوم بلوف در روابط بین‌الملل



دکتر رضا دهقانی

۱۵ ----- مکتب کپنهاک: مفاهیم و آموزه‌ها



دکتر رحمت حاجی‌مینه

تأثیر جریان‌های واگرا بر امنیت منطقه‌ای در

۱۹ ----- خلیج فارس



کامران کرمی

رویکردهای سیاسی حزب عدالت و توسعه در



۲۲ ----- خاورمیانه

رضا صولت

۲۸ ----- حقوق بشر و توسعه



مریم طهماسبی

۳۲ ----- تحلیلی از تحولات سوریه



سید محمدرضا موسوی

۳۶ ----- نگاهی گذرا به تشکیل و تحول اخوان المسلمین



سارا پارسا

The Turkish model governance for the
Egyptian government ----- 38



احسان اعجازی

مطالعات کشور شناسی در ایران از سابقه طولانی برخوردار نیست. تأسیس مدرسه علوم سیاسی و سابقه آموزش دیپلماسی و روابط بین‌الملل در سال ۱۲۷۸ که بنا به ادعای بنیان‌گذاران آن، دانشجویان می‌بایستی از خانواده‌های نجیب و اصیل مملکت و از مدرسه دارالفنون و مدرسه علم وارد می‌شدند گام مهمی در این زمینه بود. ادغام مدرسه‌ی علوم سیاسی و حقوق، تشکیل دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، تأسیس مراکز مطالعاتی بین‌المللی و دانشگاه خصوصی ملی و تدریس موضوعاتی چون سیاست و حکومت در آمریکای لاتین اروپای شرقی و ... نشان دهنده‌ی تلاش ابتدایی در این زمینه بود. تلاش‌هایی هم در دانشگاه اصفهان و دانشگاه شیراز برای کشور شناسی صورت گرفت. بعد از انقلاب اسلامی رشته‌ی علوم سیاسی بازسازی شد. دانشکده‌ی روابط بین‌الملل وزارت خارجه در سال ۱۳۶۱ تأسیس شد و رشته‌ی روابط بین‌المللی دیرتر از سایر رشته‌ها در دانشگاه تهران تأسیس شد و سپس به سایر دانشگاه‌ها راه یافت. هم‌اکنون در دانشگاه آزاد اسلامی نیز تدریس می‌شوند. برخی مراکز استراتژیک نیز مانند: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز مطالعات اندیشه سازان نور و... به سمت مطالعات کشورشناسی حرکت کرده‌اند. نکته مهم این است که مبانی تفویک کشورشناسی در ایران شکل نگرفته است و یا مطالعات از ماکرو به میکرو سوق داده نشده است. مطالعات کشورشناسی به برخی موضوعات همچون فرهنگ سیاسی

گروه‌های ذی نفوذ و فشار، نقش ارتش در زندگی سیاسی و...، همچنین مسائل سیاست خارجی و روابط بین‌الملل آن‌ها را طلب می‌کند. فقدان متدولوژی مطالعات کشورشناسی نیز جلب توجه می‌کند. غلبه بر این مشکلات که نیازمند دانایی و آگاهی است و می‌تواند دانشکده‌های علوم سیاسی روابط بین‌الملل را به ساحتی تازه رهنمون کند. تشکیل دانشکده‌ی مطالعات جهان ایجاد کرسی‌های کشور شناسی چون آمریکا شناسی، آلمان، ژاپن و ... که در آنها دروس به زبان اصلی تدریس می‌شوند و کرسی ایران‌شناسی که دانشجویان سایر کشورها را جلب می‌کند، می‌تواند گامی مهم در ارتقاء این رشته باشد. در مجموع ارائه مبانی تفویک کشور شناسی، متدولوژی مشخص و ارائه‌ی هدف می‌تواند زمینه‌ای برای ایجاد یک مکتب فکری برای کشور شناسی باشد.

برنامه‌های گسترده دانشکده برای توسعه رشته ایران‌شناسی



دکتر مهدی آهوپی

(مدیر گروه مطالعات ایران)

■ این رشته جدید
تلاش می‌کند امکان
مطالعه ایران را با
دید متفاوت با آنچه
به صورت کلاسیک
در دانشگاه‌های غربی
ارائه می‌شود، برای
دانشجویان غیر ایرانی
علاقه‌مند فراهم سازد

در سال ۱۳۹۰ با همت والای جناب آقای دکتر عاملی، ریاست پیشین دانشکده و کمک همکاران در هیئت علمی، رشته مطالعات ایران (ایران‌شناسی) به عنوان هشتمین رشته آموزشی دانشکده مطالعات جهان و فقط برای داوطلبان غیرایرانی تأسیس شد. این رشته جدید تلاش می‌کند امکان مطالعه ایران را با دیدی متفاوت با آن چه به صورت کلاسیک در دانشگاه‌های غربی ارائه می‌شود، برای دانشجویان غیر ایرانی علاقه‌مندان فراهم سازد. از بهمن ماه ۱۳۹۰ تا امروز بیش از ۱۰۰ تقاضا از اقصی نقاط جهان از سوی علاقه‌مندان برای تحصیل در این رشته دریافت شد که از این تعداد ۱۵ نفر دانشجوی غیر ایرانی هم اکنون در حال تحصیل در این رشته‌اند و ۲۵ نفر نیز برای سال آینده تحصیلی پذیرفته شده‌اند. بدین ترتیب دانشکده مطالعات جهان در مدت کوتاه در دانشگاه تهران در زمینه جذب دانشجوی خارجی رتبه سوم را به دست آورده است.



در کنار کلاس های فشرده آموزشی، دانشجویان خارجی رشته ایران شناسی در مدت تحصیل خود در این دانشکده به سفرهای علمی به نقاط مختلف ایران نیز اعزام می شود و زیر نظر استادان مجرب و در فضایی صمیمی از نزدیک به یادگیری مفاهیم گوناگون مرتبط با حوزه ایران شناسی می پردازند. بر اساس مصوبه معاونت محترم بین الملل دانشگاه، مقرر شده است رشته ایران شناسی در دانشکده مطالعات جهان با رویکرد معاصر به زبان انگلیسی و رشته مشابه در دانشکده ادبیات و علوم انسانی با رویکرد باستانی به زبان فارسی به علاقه مندان ارائه شود.

دانشکده مطالعات جهان همچنین طراحی و اجرای برنامه های وسیعی را برای توسعه گستره مخاطبان رشته ایران شناسی در دستور کار خود قرار داده است. از جمله این برنامه ها، طراحی دوره های آموزشی و گردشگری فشرده برای علاقه مندان حوزه ایران شناسی از کشورهای جهان با رده های علمی گوناگون است. شرکت کنندگان در این دوره های کوتاه مدت، در جلسه های آموزشی فشرده با حضور استادان مجرب حضور می یابند و نیز با سفر به نقاط مختلف ایران، در پایان گواهی شرکت در دوره کوتاه مدت ایران شناسی دریافت می کنند. نخستین قسمت از این سلسله دوره ها برای تابستان سال جاری با موضوع «ایران و غرب» و برای مخاطبان انگلیسی و فرانسه زبان طراحی شده است.

از دیگر برنامه های در دست اقدام گروه مطالعات ایران، تلاش برای راه اندازی دوره های کارشناسی ارشد و دکتری مجازی ایران شناسی برای مخاطبان ایرانی و غیر ایرانی است. مجوز ایجاد این دوره ها از سوی شورای برنامه ریزی آموزشی دانشگاه تهران اخذ شده و هم اکنون مراحل تألیف و تدوین منابع آموزش مجازی در حال انجام است. انتظار می رود جذب دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد مجازی ایران شناسی از نیمسال دوم ۹۳-۹۲ (بهمن ماه) آغاز شود.

جذب هیئت علمی پیوسته و وابسته دیگر دستور کار گروه مطالعات ایران برای سال جاری است که امید است با تکمیل کادر علمی این گروه در آینده نزدیک، زمینه لازم برای تأسیس مقطع دکتری رشته مطالعات ایران در دانشکده مطالعات جهان فراهم شود.

خوشبختانه با حمایت و مساعدت مستمر و همه جانبه ریاست کنونی دانشکده و معاون جدید آموزشی و تحصیلات تکمیلی، برنامه های گروه مطالعات ایران در مدت زمان کوتاهی از زمان تأسیس در مسیر گسترش جدی قرار گرفته و امید است با مساعی کلیه همکاران، رشته ایران شناسی در دانشگاه تهران به عنوان پایگاه اصلی مطالعات ایران در جهان تثبیت و نهادینه شود.

دنگ شیائوپینگ؛ معمار اصلاحات در چین

دکتر رضا شیرزادی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد کرج)



دنگ شیائوپینگ (-۱۹۰۴) چین را پیگیری، از سوی دیگر در همان زمان، سلطه سیاسی و اقتدار حزب کمونیست چین را در مواجهه با چالش‌های عمده پیش روی آن، حفظ کرد. دنگ شیائوپینگ در روستای پای‌فنگ، در منطقه گوانگ استان سی‌چوان چین در ۲۲ آگوست سال ۱۹۰۴ به دنیا آمد و در طی مسیر طولانی خدمات دولتی، به تدریج از میان مقامات حزب کمونیست، سر برآورد. درگیر شدن او در سیاست انقلابی در دنگ شیائوپینگ (-۱۹۰۴) رهبری جمهوری خلق چین را به دنبال پلنوم سوم، یازدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، در دسامبر ۱۹۷۸ به دست آورد. او طرفدار جدی سیاست گشایش و اصلاحات بود که در نهایت سبب رشد سریع اقتصادی و توسعه اجتماعی چین در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شد. دنگ تا زمان مرگش در سال ۱۹۹۷، از یک سو باموفقیت توسعه اقتصادی

اوایل دهه ۱۹۲۰ شروع شد یعنی زمانی که او یک عضو برجسته انجمن جوانان کمونیست به حساب آمد. مدتی در فرانسه در یک برنامه مطالعاتی تحت حمایت دولت فرانسه، مشغول تحصیل بود. در سال ۱۹۲۶ به مسکو نقل مکان کرد و برای یک سال در دانشگاه شرقی که توسط سومین بین‌الملل کمونیستی (کمینترن) تأسیس شده بود، مشغول مطالعه شد.

به دنبال بازگشت او به چین در سال ۱۹۲۷، دنگ را در مناصب بالاتر حزبی به کار گرفتند. در جولای ۱۹۳۱، دنگ به استان جیانگ‌شی اعزام شد جایی که مائو تسه تنگ و دیگر اعضای رهبری کمونیست‌ها یک شورای روستایی را تأسیس کرده بودند. طی راهپیمایی بزرگ در سال‌های ۱۹۳۴-۱۹۳۵، او یکی از با کفایت‌ترین مشاوران مورد اعتماد مائو بود و در اوج رهبری حزب کمونیست چین به کار گرفته شد تا مبنای جدید قدرت را در روستای دور افتاده نیان در استان شآن‌کشی ایجاد کند. دنگ شیائوپینگ طی جنگ جهانی دوم به عنوان کمیساریای (نماینده) سیاسی برای لشکر یکصد و بیست و نهم به واسطه تلاش قهرمانانه‌اش علیه اشغال چین شمالی توسط ژاپن فعالیت کرد. در جنگ داخلی حزب کمونیست چین با گومین تانگ که طی سال‌های ۱۹۴۶-۱۹۴۷ رخ داد، او به عنوان کمیساریای سیاسی ارشد در ارتش آزادیبخش خلق مسئولیت داشت و برای موفقیت‌های چشمگیرش در شکست دادن نیروهای ملی‌گرای جیانگ کای شک در چین شمالی شهرتی کسب کرد. بلافاصله پس از تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، دنگ مدیریت دفتر سیاسی حزب در جنوب‌غربی چین را به عهده گرفت که کنترل کمونیست‌ها بر سی‌چوان و مناطق مجاور را تثبیت می‌کرد.

او در سال ۱۹۵۲ به حکومت مرکزی در پکن منتقل شد و تعداد عناوین رسمی‌اش افزایش یافت و در سال ۱۹۶۵ به رده‌بالای اهمیت دبیر کلی دفتر سیاسی حزب کمونیست چین رسید. به دنبال شکست سیاست گام بزرگ به جلو (۱۹۶۲-۱۹۵۸) و کناره‌گیری مائو تسه تنگ از خط مقدم رهبری، دنگ و لیو شائوچی به عنوان مقامات ارشد ظهور کردند. در اوایل دهه ۱۹۶۰، این دو مرد برای احیای کشاورزی و صنعت کشور با موفقیت قابل ملاحظه‌ای تلاش کردند.



ناخشنودی شدید مائو از «خط فرصت‌طلب راست‌گرای» حزب کمونیست چین به رهبری دنگ شیائوپینگ و لیو شائوچی، او را ترغیب به شروع انقلاب بزرگ فرهنگی پرولتاریایی در سال ۱۹۶۶ کردند. در همین راستا، از سوی حامیان تندرو مائو در اکتبر ۱۹۶۹ از پایتخت تبعید شد و در استان جیانگ‌شی تا فوریه ۱۹۷۳ اقامت گزید. جابه‌جایی‌های باورنکردنی در سیاست انقلاب فرهنگی، مائو را به اعاده حیثیت سیاسی وی واداشت. بازگشت او به رهبری مرکزی

زیاد به طول نینجامید اما در آوریل ۱۹۷۶ بار دیگر توسط رادیکال‌ها از قدرت خلع شد. به دنبال مرگ مائو در سپتامبر ۱۹۷۶، و دستگیری همسر مائو، جیانگ‌جینگ و دیگر چپ‌گرایان افراطی که به باند چهار نفره معروف شدند، او بار دیگر به رده رهبری مرکزی بازگشت.

به دنبال پلنوم سوم یازدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در دسامبر ۱۹۷۸، به عنوان قدرتمندترین رهبر در سلسله مراتب حزب کمونیست ظهور کرد و سریع حامیان اصلاح‌طلبی چون هو یائو بانگ و زائو زیانگ را به حاکمیت دفتر سیاسی گماشت.

دنگ با اتخاذ شعار «عمل تنها معیار حقیقت است»، تندروی چپ‌گرایانه انقلاب فرهنگی را مردود اعلام و به طور جدی برنامه «چهار نوسازی» را در حوزه‌های کشاورزی، صنعت، دفاع ملی و علوم و فناوری دنبال کرد. هدف از برنامه چهار نوسازی، تأسیس دانشگاه‌های کلیدی برای آموزش نسلی جدید از دانشمندان و تکنیسین‌ها بود. در روستاها، دهقانان مجاز به استخدام در مشاغل جنبی شدند که در گذشته قدغن بود. این مشاغل شامل طیف وسیعی از ابتکار عمل‌های خصوصی در حال رشد، فرآوری و بازاریابی کالاهای کشاورزی می‌شدند. مدیران دولتی اجازه یافتند که انعطاف بیشتری در دادن پاداش برای بهره‌وری فردی در میان کارگران و نیز در تعیین تولید بر مبنای ملاحظات بازار از خود نشان دهند. به این ترتیب مشوق‌های خصوصی و نیروهای بازار در چین اجازه یافتند آزادانه به عنوان محرک برای توسعه اجتماعی و اقتصادی عمل کنند.

به طور کلی توجه به اصلاحات سیاسی و تلاش عمده بر تمرکزگرایی و دموکراسی خلقی معطوف شد. بنابراین مبنای تصمیم‌گیری در رده‌های حزب کمونیست چین گسترش یافت. همچنین اقداماتی برای آماده ساختن سازمان‌های قضایی در جهت داشتن استقلال بیشتر و تقویت اصل کیفیت کار قضایی با هدف رسیدگی به کار همه مردم قبل از رسیدگی قانونی صورت گرفت. این اصلاحات سیاسی و حمایت‌های قانونی جدید برای

■ ناخشنودی شدید مائو از
«خط فرصت طلب راست‌گرای»
حزب کمونیست چین به رهبری
دنگ شیائوپینگ و لیو شائوچی،
او را ترغیب به شروع انقلاب
بزرگ فرهنگی پرولتاریایی در
سال ۱۹۶۶ کردند

■ در حالی که حزب کمونیست
چین برای تعریف مجدد
ایدئولوژی در حال تحول با
شعارهایی همچون «سوسیالیسم
با ویژگی‌های چینی» تلاش
می‌کرد، ظهور سریع چین به
عنوان یک ابرقدرت اقتصادی
در دهه ۱۹۹۰، گواهی نیرومند
بر مؤثر بودن رهبری سیاسی
عمل‌گرایانه دنگ شیائوپینگ بود

بسیاری، امیدواری‌های زیادی ایجاد کرد اما سرکوب شدید جنبش دیوار دموکراسی توسط دنگ در اوایل سال ۱۹۷۹ متعاقب نظرخواهی عمومی برای نوسازی پنجم، دموکراسی را در این کشور با چالش‌هایی مواجه کرد. در حالی که آزادی‌های جدید در فضای توسعه اقتصادی مجاز شدند، حزب تحت رهبری دنگ تا جایی آسان می‌گرفت که چالشی برای تفوق سیاسی‌اش به وجود نیاید. در دهه‌ی ۱۹۸۰ سیاست اصلاح و گشایش دنگ، رفته رفته به صورت برنامه‌های جدیدی گسترش یافت تا به رشد در بخش‌های کشاورزی و صنعتی بینجامد. برای تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش صنایع صادراتی چین، چهار منطقه ویژه اقتصادی در نزدیکی شهرهای عمده ساحلی ایجاد شد. این مناطق به عنوان ناحیه‌های تکوین بنگاه‌های اقتصادی مشترک جدید و متنوع با همکاری شرکت‌های خارجی به کار گرفته شدند. روابط سیاسی بهبودیافته با ژاپن و ایالات متحده آمریکا در این زمان، بازارهای این کشورها را به روی کالاهای چینی گشود که موازنه تجاری مطلوبی را ایجاد کرد و سرازری شدن جریان بزرگ سرمایه را به داخل چین موجب شد. رشد اقتصادی چشمگیر چین در دهه ۱۹۸۰، پی‌آمدهایی منفی همچون تورم بالا، بیکاری و فساد فزاینده در میان مقامات حکومتی ایجاد کرد. دشواری‌ها و بی‌ثباتی اقتصاد جدید، با فقدان اصلاحات دموکراتیک توسط حکومت کمونیستی ترکیب شد که منتهی به این واقعه شد که دانشجویان دانشگاه به خیابان بریزند و اعتراض کنند که اوج آن حادثه غم‌انگیز میدان تیان آن‌من پکن در تابستان سال ۱۹۸۹ بود. سرکوب بی‌رحمانه تظاهرات فراگیر در تیان آن‌من توسط دنگ به طور مؤثری مخالفت‌های سیاسی را افزایش داد و مقامات حزب کمونیست چین را به ایستادگی در برابر معترضان واداشت، به ویژه زمانی که حکومت‌های کمونیست اتحاد شوروی و اروپای شرقی به سرعت در حال فروپاشی بودند.

دنگ تا هنگام مرگ خود در پکن در ۱۹ فوریه ۱۹۹۷، به ترویج نوسازی و گسترش اقتصاد در چین ادامه داد، در عین حال عنان قدرت سیاسی نسل جدیدی از رهبران فن سالار (تکنوکرات) را در دست داشت که کسانی مانند جیانگ زمین (رئیس جمهور ۲۰۰۴-۱۹۹۳) و زو رننگجی (نخست وزیر ۲۰۰۴-۱۹۹۸) آن را نمایندگی می‌کردند. در حالی که حزب کمونیست چین برای تعریف مجدد ایدئولوژی در حال تحول با چینی» تلاش می‌کرد،

شعارهایی همچون «سوسیالیسم با ویژگی‌های ظهور سریع چین به عنوان یک ابرقدرت

اقتصادی در دهه

۱۹۹۰، گواهی نیرومند

بر مؤثر بودن رهبری

سیاسی عمل‌گرایانه

دنگ شیائوپینگ بود. با این

حال، در سرآغاز هزاره سوم

میلادی، هنوز چالش‌های

دموکراسی و حقوق بشر،

آینده توسعه در چین را تهدید

می‌کند.



ماهیت و مفهوم بلوف^۱ در روابط بین‌الملل



دکتر رضا دهقانی

عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

بلوف را ادعای غیر واقعی گویند که مدعی سعی دارد دیدگاه خود را به طرف مقابل القا کرده تا به این وسیله مخاطب را مجاب به پذیرش و باور مدعای خود کند. بلوف غیر از دروغ است، دروغ به قصد پنهان کردن واقعیت گفته می‌شود اما بلوف قلب واقعیت است که جوهره آن اغراق و گزافه‌گویی است، بر این اساس بلوف از عناصری چون تظاهر به اعتماد به نفس، فریب عمدی، اغراق در توان مندی و امکانات و مبهم بودن مستندات تشکیل شده است و هدف و غایت آن ایجاد تصور یک موقعیت قوی تر یا برخورداری از منابع ناشناخته بیشتر به منظور تحت تأثیر قرار دادن رقیب و جلوگیری از اقدام وی به همراه ارعاب و نفوذ در رقیب است.

بلوف در عرصه بین‌الملل تداعی گر بازی پوکر آمریکایی است که فرد تلاش می‌کند رقیب را با این عبارت که دست خوبی ندارم یا دستش خالی است، مستأصل کند و در مقابل دست خود را نسبت به حریف پر جلوه دهد. این بازی امروزه از سوی آمریکا در عرصه بین‌الملل به وضوح قابل مشاهده است. استراتژیست‌های آمریکایی، به دلیل تفوق سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورشان، همواره از موضع بالا برخورد کرده، و تکبر ویژه آنگلو ساکسنی خود را به نمایش می‌گذارند، به زعم آنان، بازی «پوکر» تبلور تفوق آمریکایی در صحنه است، و چون ذات «پوکر» بر بلوف است، همواره استراتژیست‌های آمریکایی در کنار سیاستمداران و اصحاب رسانه‌های آن کشور، مثلی رامی‌سازند که قلب آن را «اغراق»، «غلو» و «بلوف» شکل می‌دهد.

1. Bluff

بلوف و نظریه بازی‌ها

در سال ۱۹۲۱ یک ریاضیدان فرانسوی به نام امیل برل^۱ برای نخستین بار به مطالعه تعدادی از بازی‌های رایج در قمارخانه‌ها پرداخت و چند مقاله در مورد آن‌ها نوشت. او در این مقاله‌ها بر قابل پیش‌بینی بودن نتایج این نوع بازی‌ها به طریق منطقی تأکید کرده بود. اگرچه برل نخستین کسی بود که به طور جدی به موضوع بازی‌ها پرداخت، به دلیل آن که تلاش پیگیری برای گسترش و توسعه ایده‌های خود انجام نداد، بسیاری از مورخان ایجاد نظریه بازی را نه به او، بلکه به جان فون نویمان^۲ ریاضیدان مجارستانی نسبت داده‌اند.

آنچه نویمان را به توسعه نظریه بازی ترغیب کرد، توجه ویژه او به یک بازی با ورق بود. او دریافته بود که نتیجه این بازی فقط با نظریه (تئوری) احتمالات تعیین نمی‌شود. او شیوه بلوف‌زدن در این بازی را فرمول‌بندی کرد. بلوف‌زدن در بازی به معنای راه‌کار فریب‌دادن سایر بازی‌کنان و پنهان کردن اطلاعات از آنان است.

در سال ۱۹۲۸ او به همراه اسکار مونگسترن^۳ که اقتصاددانی اتریشی بود، کتاب نظریه بازی‌ها و رفتار اقتصادی را به رشته تحریر در آوردند. اگر چه این کتاب فقط برای اقتصاددانان نوشته شده بود، کاربردهای آن در روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاست، جنگ، بازی‌های تفریحی و بسیاری زمینه‌های دیگر به زودی آشکار شد.

نویمان بر اساس راهبردهای موجود در یک بازی ویژه، شبیه شطرنج توانست کنش‌های میان دو کشور ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی را در خلال جنگ سرد، با در نظر گرفتن آن‌ها به عنوان دو بازیکن در یک بازی مجموع صفر مدل‌سازی کند.

بلوف سنجی در دایره امکان و احتمال

در نظریه بازی‌ها مبتنی بر بررسی احتمالات، اساسی‌ترین مسئله، بررسی امکانات است: اگر موضوعی «امکان» داشت، پس «احتمال» هم خواهد داشت؛ تا چیزی امکان نداشته باشد، احتمال وقوع آن غیرممکن است. آن‌جا که سیاست، عرصه ممکنات است، راهبرد عرصه تنظیم احتمالات مبتنی بر ممکنات خواهد بود. رکن اساسی در بررسی احتمالات اقدام از سوی طرفین منازعه، «بلوف سنجی» است که آن هم از طریق «امکان سنجی» ارزیابی می‌شود. انواع بلوف از منظر امکان سنجی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. **بلوف سفید:** این که فرد مشخصی مدعی است می‌تواند یکصد متر روی ریل (راه آهن) قدم بزند بدون این که بیفتد. این‌جا هم مدعی مشخص است، هم مدعای او امکان‌پذیر. پس هر دو بخش مسئله شفاف است.

1. Emile Borel

2. John Von Neumann

3. Oskar Mongenstern

۲. بلوف خاکستری: این که فرد مشخصی مدعی است می‌تواند روی آب راه برود بدون این که غرق شود. اینجا، مدعی مشخص است، اما مدعی او (راه رفتن روی آب) امکان پذیر نمی‌نماید. لذا یک بخش مسئله مبهم است.

۳. بلوف سیاه: اینکه گفته شود فرد نامشخصی، مدعی است که می‌تواند روی آب راه برود بدون این که غرق شود. این جا، هم مدعی، و هم مدعا، هر دو مبهم اند. (۱)

بلوف‌های سفید و سیاه به این دلیل که مبین یک قضیه منطقی اند به سهولت قابل تشخیص و شناسایی اند، اما در مورد بلوف خاکستری وضع فرق می‌کند و مدعی بلوف چندان روشن نیست، لذا در دیپلماسی، یکی از مهم‌ترین مسایل، تشخیص صحت و سقم بلوف خاکستری است؛ زیرا بسیاری از ادعاها در صحنه جهانی، از این جنس اند.

اگر تشخیص صحت بلوف ها، به دقت صورت نگیرد، تصمیم متقابل در برابر آنها، قطعاً تصمیمی انفعالی و فاجعه بار خواهد بود. از این رو «بلوف سنجی» مبتنی بر «احتمال سنجی»، و «احتمال سنجی» مبتنی بر «امکان سنجی» است. ساده‌ترین روش امکان سنجی در یک منازعه سیاسی و فرهنگی یا نظامی، تهیه «ترتیب نیرو» و «ترکیب نیرو» است. «ترتیب نیرو»، تنظیم و برآورد توان مندی و استعداد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری حریف در شش حوزه نیروی انسانی، تجهیزات، تأسیسات، منابع مالی، منابع زمانی و راهبردی و تاکتیک است. همچون مدیر یک تیم فوتبال که در هنگام مسابقه، با توجه به آرایش و توانمندی تیم حریف در زمین بازی، تیم خود را آرایش می‌دهد؛ یک مدیر راهبردی یا تاکتیکی نیز، پس از «ترتیب نیرو» ی حریف، به «ترکیب نیرو» ی جبهه ی خود می‌پردازد.

«ترکیب نیرو»، تنظیم و برآورد توان مندی و استعداد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خود، در شش حوزه ی نیروی انسانی، تجهیزات، تأسیسات، منابع مالی، منابع زمانی و راهبردی و تاکتیک اتخاذ شده، نسبت به «ترتیب نیرو» ی حریف است. هرگاه «ترتیب نیرو» ی حریف، به روز، تنظیم و برآورد شد و

■ بلوف در عرصه

بین‌الملل تداعی گر بازی
پوکر آمریکایی است که
فرد تلاش می‌کند رقیب
را با این عبارت که دست
خوبی ندارم دستش
خالی است، مستأصل
کند و در مقابل دست
خود را نسبت به حریف
پر جلوه دهد. این بازی
امروزه از سوی آمریکا در
عرصه بین‌الملل به وضوح
قابل مشاهده است

سپس «ترکیب نیرو»ی خودی، در نسبت با آن، به روز تنظیم شد، آن گاه «امکان سنجی» ممکن خواهد بود. پس از این مرحله، بلوف سنجی و سنجش احتمالات، امکان پذیر است. این عناصر پنج گانه (ترتیب نیرو، ترکیب نیرو، امکان سنجی، بلوف سنجی و احتمال سنجی) در مجموع صحنه بازی را بین رقبا شکل می دهند.

پی نوشت ها:

۱. در کنار تقسیم بندی سه گانه بلوف از نظرماهیت، اشکال متعددی هم برای بلوف در عرصه بین الملل می توان بیان کرد که دولت ها و سازمان های بین المللی به فراخور موقعیت از آن بهره می گیرند، از آن جمله بلوف تهدید، بلوف تطمیع، بلوف منزوی کردن، بلوف رسالت بشری و...

منابع

- براند نبرگر. آدام ام، باری جی. نالباف: کاربرد نظریه بازی ها در مدیریت (استفاده از نظریه بازی ها برای تدوین استراتژی)، ترجمه علی فروزفر، تهران، مبلغان، ۱۳۹۱
- دوئرتی جیمز، رابرت فالتر گراف: نظریه متعارض در روابط بین الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، قومس، ۱۳۸۴
- مکین راجر: نظریه بازی ها و سیاست گذاری عمومی ترجمه علی بغیری، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۱
- وب، جیمز ان: نظریه بازی تصمیم ها، تعامل و تکامل، ترجمه رضا مجیدزاده، تهران، مهدی رضایی، ۱۳۸۹
- ونتسل، یلنا سرگی یونا: نظریه بازی ها و کاربرد آن در تصمیم گیری های استراتژیک، ترجمه جلیل روشندل، علیرضا طیب، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۳
- Christian Schmidt(Edited): Game theory and economic analysis:a quiet revolution in economics, 2003 London,; New York-, Routledge
- Collins English Dictionary, HarperCollins Publishers, 2003
- Dictionary of the English Language, 4th Edition, Published by Houghton Mifflin Company, 2009
- Von Neumann John and Oskar Morgenstern: Theory of games and economic, behavior, Princeton, 1953 Princeton University Press,

مکتب کپنهاگ: مفاهیم و آموزه ها



دکتر رحمت حاجی مینه

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد تهران شرق

مکتب کپنهاگ که با نوشته های باری بوزان از جمله کتاب "مردم، دولت و هراس" در دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت، تلاش کرد تا مطالعات امنیتی را از روابط نظامی کشورها فراتر ببرد. برای نیل به این مقصود، اندیشمندان این مکتب: (۱) موضوعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و محیط زیستی را به حوزه امنیت افزودند، (۲) امنیت را به عنوان مفهومی چند سطحی بازسازی کردند، (۳) نظریه امنیت منطقه ای به هم پیوسته را مطرح و (۴) برای تحلیل و تبیین امنیت، مفاهیم "امنیتی شدن" و "امنیت زدایی" را مطرح کردند. به گفته ویور از اندیشمندان این مکتب، هدف از مطرح کردن مفهوم "امنیتی شدن" و "امنیت زدایی" تحلیل امنیت به شیوه ای جدید است، یعنی چارچوب نظری مکتب کپنهاگ علی رغم این که به ارکان اصلی نظریه های سنتی امنیت (تهدیدهای وجودی، بقا) وفادار است، مانند آن ها انعطاف ناپذیر و دگم نیست بلکه بخش های متعددی علاوه بر حوزه نظامی را در بر می گیرد و در این رویکرد، دولت ها تنها بازیگران مورد مطالعه نیستند. در واقع، مفهوم امنیتی شدن را تعدادی از اندیشمندان مؤسسه پژوهشی صلح کپنهاگ^۱ به عنوان چارچوبی نظری برای پاسخ به این سؤال که یک پدیده چگونه و تحت چه شرایطی تبدیل به مشکل امنیتی می شود، مطرح کردند. این مفهوم در جریان مناظره های امنیتی در طول دهه ۹۰ قرن بیستم ظاهر شد و در کمتر از دو دهه به یک رویکرد مهم مطالعات امنیتی در عرصه آکادمیک تبدیل شد. در این راستا، اندیشمندانی چون باری بوزان، اوله ویور

1. Copenhagen Peace Research Institute(COPRI)

و دانشمندان دیگر مکتب کپنهاگ با معرفی مفاهیم "امنیتی شدن" و "امنیت زدایی" کمک زیادی به توسعه نظری در عرصه مطالعات امنیتی کرده اند.

از دیدگاه مکتب کپنهاگ (CS) یک موضوع عمومی می تواند در یک طیف گسترده قرار بگیرد: ۱- غیرسیاسی (زمانی که دولت در یک موضوع دخالتی نمی کند)، ۲- سیاسی (زمانی که یک موضوع قسمتی از سیاست عمومی باشد و مستلزم تصمیم گیری حکومت است)، ۳- امنیتی شده (زمانی که یک موضوع به عنوان تهدید وجودی معرفی می شود و فراتر از سیاست عادی توجیه می شود) و ۴- امنیت زدایی (زمانی که یک موضوع به عنوان تهدید تعریف نمی شود و دوباره به حوزه عمومی منتقل می شود).

از این منظر، سیاسی شدن به این معنی است که موضوعی به طور آشکار مورد بحث و انتخاب در حوزه رسمی قرار بگیرد و در مورد آن تصمیم گیری شود، به گونه ای که برای کارگزاران خود، مسئولیت نیز به همراه داشته باشد. امنیتی شدن نیز حرکت از سیاسی شدن به حوزه امنیت دولت است؛ مرحله ای که در آن، موضوع امنیتی شده فراتر از قوانین رسمی دنبال می شود.

در جریان امنیتی شدن باید منظومه پنجگانه زیر را در نظر داشته باشیم: هدف مرجع، بازیگران امنیتی کننده، بازیگران کارکردی، مخاطبان هدف، شرایط تسهیل کننده. در این راستا، هدف مرجع چیزی است که فکر می شود "به لحاظ وجودی تهدید شده است". گرچه هدف مرجع به طور سنتی دولت بوده است. بازیگران امنیتی کننده اصولاً می توانند هر چیزی را به عنوان هدف مرجع (برای مثال هویت ملی، گروه های اجتماعی، افراد) تعریف کنند. بازیگران امنیتی کننده (برای مثال نخبگان سیاسی، حکومت، گروه های فشار و ارتش) کسانی اند که گفتار امنیتی را برای امنیتی کردن یک موضوع اجرا می کنند. آنان این اقدام را با معرفی یک موضوع مورد منازعه به عنوان "تهدید وجودی" برای هدف مرجع (برای مثال دولت، ایدئولوژی و حاکمیت ملی) عملیاتی می کنند. البته باید در نظر داشت که بازیگران امنیتی کننده در این مسیر اغلب منافع شخصی خود را به شیوه ای پنهانی دنبال می کنند و به این طریق شانس

■ از آنجا که مکتب کپنهاگ، طیف وسیعی از بازیگران و متغیرها را در تحلیل و تبیین پدیده ها به ویژه سیاست خارجی مورد توجه قرار می دهد، در نتیجه می تواند چارچوب نظری جامعی را برای تبیین سیاست داخلی و خارجی کشورها و روابط خارجی آن ها فراهم آورد

برنده شدن در مقابل مخاطبان مورد هدف را دارند. بازیگران کارکردی، نهادهایی اند که به طور مؤثری بر تصمیم ها در حوزه امنیت تأثیر می گذارند و هرگز به بازیگر امنیتی کننده که هدف مرجع را انتخاب می کند و خواستار اقدام امنیتی برای آن می شود، تبدیل نخواهند شد. زمانی که بازیگر امنیتی کننده یک موضوع سیاسی سابق را تهدید وجودی برای هدف مرجع می داند، بازیگران کارکردی از جمله رسانه های ارتباط جمعی با تکرار گفتمان حاکم در میان بازیگران امنیتی کننده در این جریان شرکت می کنند. به عبارت دیگر، بازیگر کارکردی یک عامل بیرونی تأثیرگذار در سیر امنیتی شدن است یا بازیگری است که به اقدام گفتاری امنیتی شدن کمک می کند. در نهایت، زمانی که بازیگران امنیتی نمی توانند موضوعی را به صورت مستقیم امنیتی جلوه دهند با بهره گیری از سرمایه اجتماعی بازیگران کارکردی برای نیل به این هدف تلاش می کنند.

در مورد مخاطبان هدف باید توجه داشته باشیم که آنان فقط توده مردم یا عوام نیستند، بلکه گستره آن می تواند از تصمیم گیرندگان سیاسی تا نخبگان دیوان سالار (بوروکرات) یا افسران ارتش تغییر کند. از این رو، "امنیتی شدن" زمانی موفق خواهد بود که مخاطبان هدف، جمعیت محدودتری باشند تا پذیرش تهدید وجودی علیه هدف مرجع عالی، بهتر امکان پذیر باشد. اما شرایط تسهیل کننده به عنوان مفهوم پنجم، شامل شرایط داخلی، منطقه ای یا جهانی می شود. شرایطی که به بازیگران امنیتی کننده در تعیین موضوع های مناسب برای تبدیل شدن به اهداف مرجع و تهدید های وجودی کمک می کنند.

نکته دیگر در جریان امنیتی شدن این است که عملیاتی شدن آن، پروسه سه مرحله ای است: نخستین مرحله، تصویر سازی از موضوعی مشخص به عنوان "تهدیدی وجودی" برای هدف مرجع است. در حالی که بازیگر امنیتی کننده در این مرحله بازیگر مسلط است، بازیگران کارکردی و شرایط آسان کننده نیز نقش های مهمی را در به نظر رسیدن تهدید شدن هدف مرجع، ایفا می کنند. البته در این مرحله امنیتی شدن به خودی خود انجام نمی گیرد. یک موضوع تنها زمانی امنیتی می شود که مخاطبان هدف، آن موضوع را فراتر از مرزهای "سیاست عادی" ببینند و تا زمانی که چنین پذیرشی نباشد، تنها می توان از تلاش امنیتی صحبت کرد.

- از دیدگاه مکتب کپنهاگ (CS) یک موضوع عمومی می تواند در یک طیف گسترده قرار بگیرد:
- ۱- غیرسیاسی
- ۲- سیاسی
- ۳- امنیتی شده
- ۴- امنیت زدایی

مرحله دوم امنیتی شدن زمانی تکمیل می‌شود که بازیگران امنیتی کننده، مخاطب را متقاعد کنند که هدف مرجع به طور جدی تهدید شده است. مرحله سوم امنیتی شدن نیز زمانی است که اقداماتی خاص (برای مثال تحریم، جنگ) برای غلبه بر تهدیدات مشخص بشود. زیرا با امنیتی خواندن یک موضوع، ادعای استفاده از ابزارهای فوق العاده و اقدامات خارج از رویه های سیاسی نیز ضرور جلوه داده می‌شود. تنها در این مرحله است که می‌توان گفت امنیتی شدن نتایج ملموسی به دنبال داشته و چنین نتایجی امنیتی شدن را اقدامی موفق می‌سازند.

سرانجام، امنیت زدایی، برگشت به رویه پیشین است، به این معنی که موضوع ها از حالت اضطراری خارج و دوباره به جریان چانه زنی عادی در حوزه سیاسی برمی گردند. به عبارت دیگر، سیری است که در چارچوب آن موضوع های خاص از حوزه فراسیاسی و امنیتی خارج شده و به حوزه سیاست روزمره و عادی برگردانده می‌شوند. در دوره امنیت زدایی، اهداف مرجع امنیتی شده با کمک بازیگران کارکردی تحت شرایط آسان کننده در جهت عکس روند امنیتی شدن، دوباره سیاسی می‌شوند. برای امنیت زدایی باید مخاطبان هدف متقاعد شوند که هدف مرجع از نظری وجودی تهدید نشده است و اقدامات پیشین، نتیجه معکوس داده اند.

به طور کلی می‌توان گفت به این علت که مکتب کپنهاگ، طیف وسیعی از بازیگران و متغیرها را در تحلیل و تبیین پدیده ها به ویژه سیاست خارجی مورد توجه قرار می‌دهد، در نتیجه می‌تواند چارچوب نظری جامعی را برای تبیین سیاست داخلی و خارجی کشورها و روابط خارجی آن ها فراهم آورد، چارچوبی که استفاده از آن می‌تواند بسیاری از سازوکارهای مغفول مانده در تحلیل های سنتی امنیت را در نظر بگیرد.

منابع:

Analysing desecuritization: the Case of the ۲۰۱۱, Balamir, Coskun, Bezen
Israel-palestinian, Peace, education and Water Management, Cambridge,
.1-5

Behnke, Andreas, 2006, "No Way Out: Desecuritization, Emancipation and
the Eternal Return of Political Trends", Journal of International Relations
and Development, Vol. 9, No.1: 62-69

Buzan, Barry, 2008, People, State and Fear: An Agenda for International
Security Studies in the Post- Cold War Era, Second Edition, UK: ECPR
.Classical Series

Buzan, Barry, Ole Waver and Jaap de Wilde, 1998, Security: A new
.Framework for Analysis, London: Lynne Reinner Publisher

Waver, Ole, 1995, "Securitization and Desecuritization" in Ronnie
.Lipschutz, ed, On Security. New York: Colombia Univesity Press

تأثیر جریان های واگرا بر امنیت منطقه ای در خلیج فارس



کامران کرمی

پژوهشگر مسائل خلیج فارس

مقدمه

منطقه خلیج فارس به عنوان یکی از زیر سیستم های منطقه آسیای جنوب غربی نقش و جایگاه مهمی در ساختار امنیت بین المللی داشته و همواره در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود، از اهمیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک برخوردار بوده است. با وجود یکدستی هایی که در این منطقه از نظر مؤلفه هایی چون زبان، قومیت، نژاد، مذهب، ساختار اقتصادی و نظام سیاسی بین کشورهای ساحلی (به استثنای جمهوری اسلامی ایران و تا حدودی در برخی از شاخص ها جمهوری عراق) وجود دارد، تاکنون شاهد همگرایی منطقه ای نبودیم و در مقابل شاهد اختلافات مرزی و ارضی، تهدیدات متقابل و بروز جنگ با دامنه های درون عربی و عربی- غیر عربی بوده ایم. این وضعیت حضور قدرت های فرا منطقه ای، خریدهای تسلیحاتی و دامنه اختلافات را در منطقه افزایش داده و عملاً برخلاف آنچه از سوی رهبران شورای همکاری خلیج فارس ابراز می شود، نه تنها شاهد رسیدن به همگرایی منطقه ای نیستیم، بلکه افزایش جریان های واگرا در امنیت منطقه و پویش های همکاری جویانه را شاهدیم. در این مقاله تلاش می شود تا با برشمردن دلایل واگرایی منطقه ای به این پرسش پاسخ دهیم که چنین روندی چه تأثیراتی بر امنیت منطقه ای در خلیج فارس بر جای خواهد گذاشت؟

مفهومی واقع گرایانه (رئالیستی) از امنیت

موضوع امنیت در خلیج فارس سالیان درازی است که با مفاهیم سنتی مکتب واقع گرایی چون خریدهای تسلیحاتی، افزایش قدرت بازدارندگی و موازنه قوای منطقه ای تعریف، درک و عملیاتی می‌شود. گرچه به دلیل اختلافات درون عربی از یکسو و اختلافات عقیدتی شش کشور ساحلی با جمهوری اسلامی از سوی دیگر شاهد افزایش نگاه تقابلی هستیم، اما بخش عظیمی از جریان های واگرایی منطقه ای مربوط به نگاهی است که سران شورای همکاری خلیج فارس نسبت به موضوع امنیت و مکانیسم های آن دارند. در واقع، کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بر ضرورت ایجاد چند منظومه امنیتی تأکید می‌کنند که خودسبب پیچیده تر شدن امنیت منطقه ای می‌شود.

نخستین حلقه دفاعی این منظومه افزایش نیروهای نظامی هر کشور است که امری طبیعی به حساب می‌آید. دومین حلقه دفاعی متشکل از نیروهای شش کشور عربی موسوم به نیروهای سپر جزیره است که در زیر چتر حمایتی شورای همکاری خلیج فارس با هم متحد شدند. سومین منظومه را دوستان منطقه ای در خاورمیانه و جنوب آسیا تشکیل می‌دهند که در دهه ۹۰ قرن بیستم میلادی کشورهایی چون مصر و سوریه در قالب بیانیه دمشق یا ۲+۶ یا در دوره تحولات بهار عربی با دعوت از مغرب و اردن برای پیوستن به شورای همکاری خلیج فارس صورت گرفته است. منظومه چهارم دفاعی که مهم‌ترین منظومه است و نقش مخربی در ساختار امنیت منطقه ای و بر جریان های همگرایی منطقه ای دارد، تمایلی است که کشورهای ساحلی برای حضور آمریکا و بریتانیا در ترتیبات امنیتی از خود نشان می‌دهند. بنابراین این نوع نگاه سبب می‌شود تا کشورهای ساحلی بر جریان های واگرایی شتاب بیشتری بخشند.

عوامل مؤثر بر جریان های واگرایی منطقه ای

۱- درک و تصویر مغشوش و تهدید آمیز از مقوله امنیت

امنیت از نظر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس دارای ویژگی هایی است که برآمده از منابع تهدید، محیط پر تهدید، ضعف های ساختاری در قابلیت های دفاعی و نیروهای مسلح است. به این موارد باید جمعیت و ماهیت دولت های ساحلی و ظرفیت های آن ها را در برخورد با مشکلات و بحران های داخلی و منطقه ای افزود. داشتن چنین تصویری از موضوع امنیت و تصمیم گیری بر مبنای چنین برداشت هایی سبب می‌شود تا اولویت ویژه دولت های عرب خلیج فارس، تأمین امنیت برای خود باشد. می‌توان گفت خطرات امنیتی برای چنین دولت هایی به چهار بخش داخلی، پیرامونی، منطقه ای و بین المللی بر می‌گردد که به سبب ارتباط و تداخل آنها با یکدیگر تمیز دادن آن ها از هم مشکل است. چالش های داخلی، اختلافات مرزی با همسایگان، تهدیدات منطقه ای و فشارهای بین المللی چهار تهدیدی است که سبب شده تا مقوله امنیت منطقه ای و رسیدن به سازوکارهای امنیت دسته

جمعی در عمل مغفول بماند و امنیت در پیوند با یک قدرت بزرگ یا ابرقدرت تعریف شود. بنابراین تصویر چنین فضایی، درک آن و کاربردی کردن آن در عمل علل متنوع شدن منابع خطر و افزایش تصاعدی تهدید و فضای تنش در منطقه خلیج فارس شده است.

۲- تعریف امنیت منطقه ای در پیوند با یک قدرت فرامنطقه ای تصویری که در بالا بدان اشاره کردیم، اسباب حضور یک قدرت فرامنطقه ای را فراهم می‌آورد. رهبران و تصمیم گیران دفاعی-امنیتی در شورای همکاری خلیج فارس عمدتاً روابط امنیتی-نظامی خود را در پیوند با ایالات متحده تعریف می‌کنند و به ویژه از دهه ۹۰ قرن گذشته به بعد و حضور نیروهای ائتلاف برای آزاد سازی کویت این کار شتاب بیشتری به خود گرفته است و لذا برگزاری مانورهای نظامی در آب‌های خلیج فارس را شاهدیم. افزایش فروش جنگ افزار از سوی آمریکا به کشورهای ساحلی خلیج فارس می‌تواند در بلندمدت، زمینه های مسابقه تسلیحاتی را فراهم آورد. در واقع می‌بایستی سران شورا این مسئله را در نظر داشته باشند که حضور قدرت‌های بزرگ نه تنها راه حل معضلات به شمار نمی‌رود بلکه شالوده مشکلات را تشکیل می‌دهد. حضور آمریکا در این منطقه به بهانه های مختلف چون حفظ امنیت و استقلال کشورهای منطقه، رفع بحران و از بین بردن تهدیدات موضوعی نیست که پشتوانه های منطقی داشته باشد و برآیند آن امنیت بیشتر باشد. پایگاه‌های دریایی، زمینی و هوایی در سه کشور بحرین، قطر و امارات به خوبی نشان دهنده حضور این قدرت بزرگ است. پیاده کردن سیاست های دوستونی، موازنه قوا و مهار دوجانبه و تشویق مسابقه تسلیحاتی و ناامن نشان دادن این کشورها در مقابل خطر ایران انقلابی و رژیم صدام همگی گویای این موضوع است. بنابراین تعریف امنیت در پیوند با یک قدرت بزرگ و با ایجاد فضای تنش و سوءظن برای القای این تصویر که خطر ایران شیعی و هسته ای روز به روز بیشتر می‌شود، نه تنها به ترتیبات پایدار امنیت منطقه ای منجر نخواهد شد، بلکه خود زمینه ساز مشکلاتی است که امروزه شاهد آنیم.

۳- افزایش خریدهای تسلیحاتی

تخصیص منابع برای خریدهای تسلیحاتی امری است که بعد از

■ منطقه خلیج فارس
از تعارضات ساختاری
در رنج است و وجود
منابع انرژی که زمینه
ساز حضور قدرت های
فرامنطقه ای شده،
خود اسباب پیچیده تر
شدن چنین تعارضاتی را
فراهم آورده است.

جنگ دوم خلیج فارس و حضور نیروهای ائتلاف در منطقه و به ویژه در سال های اخیر رشد شتابانی گرفته که خود را در بودجه های دفاعی و امنیتی کشورهای منطقه نشان می دهد. با رونق گرفتن بازار نفت از سال ۱۹۷۳، کشورهای منطقه میلیاردها دلار صرف خریدهای تسلیحات بسیار پیشرفته کرده اند که این الگوی مصرف سلاح در طول دوره های مختلف افزایش یافته است. گرچه خریدهای تسلیحاتی راهی است برای مقابله با کمبود نیروی انسانی برای کشورهای که قادر به تأمین نیروی دفاعی و زیربنای صنعتی برای ایجاد صنعت ملی دفاعی خودکفا نیستند و برای جبران این نارسایی با تکیه بر سلاح های مدرن و با فناوری پیشرفته سعی دارند تا آسیب پذیری های داخلی و محیطی خود را جبران کنند. این جریان سبب شده تا کشورهای فوق، درک و برداشتی کاملاً رئالیستی از مفهوم امنیت داشته باشند و نتوانند به امنیت دسته جمعی یا ترتیباتی چنین برای حل معمای امنیت دست یابند. بنابراین در چنین فضایی هر گونه تحرک و ابراز عقیده ای از سوی دیگران، به مشکل امنیتی تبدیل می شود و نتیجه آن ایجاد فضای سوءظن و تهدید متقابل خواهد بود.

جمع بندی

در این نوشتار تلاش شد تا به جریان های واگرا در خلیج فارس بپردازیم و تأثیر آن را بر امنیت منطقه ای تحلیل کنیم. باید گفت؛ منطقه خلیج فارس از تعارضات ساختاری در رنج است و وجود منابع انرژی که زمینه ساز حضور قدرت های فرامنطقه ای شده، خود اسباب پیچیده تر شدن چنین تعارضاتی را فراهم آورده است. جریان های واگرا در ساختار امنیت منطقه ای در خلیج فارس و محیط امنیتی نامساعد به دلیل مداخله قدرت های خارجی و درگیر بودن آنها در خلیج فارس، رفتار و سیاست های فارغ از خویشتنداری کشورهای منطقه که بر سر مسائل جزئی به بحران و جنگ می انجامد، رقابت تسلیحاتی افسار گسیخته و تخصیص منابع حیاتی برای خرید تسلیحات، عدم اجماع در تعریف امنیت منطقه ای و ابعاد آن، عدم توجه به مسائل توسعه سیاسی و اقتصادی و مشکلات توده ها، بحران مشروعیت سیاسی و نگرانی از بی ثباتی داخلی از جمله ریشه های مشکل امنیت در منطقه خلیج فارس است که خود در تعمیق واگرایی در منطقه تأثیرگذار بوده است. بنابراین بر دولت های ساحلی خلیج فارس فرض است که با تأمل در تحولات و رویدادهای منطقه خلیج فارس از گذشته تاکنون، تصویر پایداری از مقوله امنیت منطقه ای به وجود آورند که در غیر این صورت، رفتار به دور از احتیاط به همراه اقدامات نسنجیده و یکجانبه و عدم توجه به مؤلفه های همگرایی منطقه ای؛ به تشدید منازعات، بحرانی شدن اوضاع و شکنندگی هر چه بیشتر همکاری های درون منطقه ای و چشم انداز همگرایی منطقه ای می انجامد.

رویکرد های سیاسی حزب عدالت و توسعه در خاورمیانه



رضا صولت

پژوهشگر مهمان مرکز مطالعات خاورمیانه

مدل ترکیه برای خاورمیانه ترکیبی از اسلام، دموکراسی و سکولاریزم است. حزب «عدالت و توسعه» با بازبینی سیاست خارجی نقش منطقه ای ترکیه را به شدت افزایش داد. این حزب سعی داشت مدلی از ترکیه ارائه دهد که علاوه بر تأکید بر دموکراسی سکولار با اسلام نیز سازگار باشد. بسیاری از سیاست های منطقه ای آنکارا منعکس کننده تغییرات در محیط داخلی ترکیه است. البته دیدگاه های ایدئولوژیک رهبران حزب عدالت و توسعه در شکل گیری این سیاست ها تأثیرگذار بوده اند. آنان به واسطه سیستم عقلایی که در این زمینه به وجود آوردند قادر شده اند تا یک تصویر منعطف و فعال از سیاست خارجی خود در خاورمیانه را به نمایش بگذارند.

ابزار کلیدی سیاست خارجی ترکیه ترکیب موفق از «دموکراسی» و «اسلام» است. عرصه داخلی در ترکیه به صورت خط مونتازی برای مدل ترکیه درآمده است. یکی از مهمترین وجوه اندیشه سیاستمداران حزب عدالت و توسعه، توجه به عنصر دین در جامعه است. بررسی عملکرد چند ساله دولت حزبی نشان می دهد که توجه به دین از دغدغه های اصلی سیاستمداران جوان اسلامگرا بشمار می رود. ولی وجود ساختارهای انعطاف ناپذیر در ارکان حاکمیت که طی بیش از ۸۰ سال چیرگی فضای غیردینی شکل گرفته، تاکنون مانع از تحقق قابل قبول برنامه های اسلام گرایان شده است.

نکته در خور توجه در اندیشه اسلام گرایان حزب عدالت و توسعه، نبود تفکر اسلام سیاسی است. این سیاستمداران عنصر دین را به عنوان بخشی از مطالبه عمومی مردم مسلمان ترکیه

و اغلب ناظر بر مظاهر دینی نظیر حجاب، مدارس دینی و مناسک مذهبی تلقی می‌کنند و در پی آن نیستند که دین را به طور کامل وارد قوانین کشور و قواعد حکومتی کنند. دین گرایی آنان بیشتر به شکل نوعی آزادیخواهی فردی و اجتماعی نمود پیدا کرده است. اسلام گرایان معتدل، افزون بر دین در حوزه های دیگری چون حقوق اقلیت های قومی و مذهبی نیز سیاست های مسامحه گرایانه دارند و تأمین این حقوق را در دستور کار خود قرار داده اند. بنابراین کارشناسان ترکیه اذعان می‌کنند علی‌رغم مشکلات خاورمیانه، با وجود دولت‌ها و رژیم‌های عرب غیر منتخب و قدرت طلب از قبیل سوریه، بحرین و عربستان، آنکارا الگوی سیاست‌های خارجی خود را دنبال خواهد کرد. بحث حاکمیت سیاست خارجی دولت ترکیه از سوی حزب عدالت و توسعه در منطقه بر منطق روابط دوگانه استوار است که اغلب بر ویژگی های داخلی رژیم‌ها تأکید دارد. ولی در عین حال آنها را نادیده می‌گیرد و در عوض روی تقویت مناسبات تجاری با این رژیم‌ها پا می‌فشارد. در این حالت می‌توان گفت با تأکید بر مؤلفه‌های رئالیستی، رژیم‌های موجود را شرکای اقتصادی قبول کرده است و با توجه به تأکید شدید روی تعاملات اقتصادی، رهیافت لیبرالیستی، ترکیه مجبور به بازبینی سیاست خارجی خود شده که طبق آن توانسته است خود را به عنوان قهرمان انتقال دموکراتیک قدرت در آفریقای شمالی معرفی کند و حتی در این زمینه از ظهور جنبش‌های آزادی خواهانه کشورهای عربی در زمستان ۲۰۰۰-۲۰۱۰ به شدت حمایت به عمل آورد. درواقع تحول سریع و پویایی داخلی و خارجی مدل ترکیه در طیف گسترده ای از حوزه‌های مختلف نمود یافته و خطرات و فرصت های جدیدی را فراهم آورده است. با ایجاد ارتباط مجدد با تاریخ و جغرافیای خود، ترکیه ارزش های راهبردی را به زمان و مکان در عصر جهانی شدن مرتبط می‌کند و دیدگاه های تک بعدی و تقلیل گرایی بعد جنگ سرد را کنار گذاشته است. سیاست خارجی، اقتصاد و سیاست گذاری عمومی تا آموزش و پرورش، رسانه‌ها، هنر و علوم، به عنوان بازیگران نو ظهور فعال ترکیه، خواستار تغییر روابط مرکز-پیرامون با هدف ایجاد نظام جهانی دموکراتیک تر و عادلانه ترند. در دوره حزب عدالت و توسعه، ترکیه موفق شده است که به منطقه برگردد ولی این بازگشت بدون داشتن وابستگی تاریخی است، در این حالت می‌توان عنوان کرد که دولت حزب عدالت و توسعه با حاکمیت قوی، توانست بازبینی در سیاست خارجی به عمل آورد که این بازبینی نمی‌توانست به دنبال پایان جنگ سرد کامل شود، زیرا ترکیه با بی ثباتی داخلی مواجه بود. حزب عدالت و توسعه در منطقه این تصور را ایجاد کرد که بر دموکراسی سکولار تأکید دارد و در عین حال با اسلام سازگار است. همان طور که گراهام فولر می‌گوید «برای اغلب اعراب انتخاب یک حزب اسلامی میانه‌رو در ترکیه این نکته را نشان می‌دهد که کشورهایی که میراث و تاریخ مشترکی دارند سرانجام می‌توانند با هم متحد شوند».

در حوزه سیاست خارجی، جمهوری ترکیه تحت حاکمیت سیاستمداران اسلامگرا، ضمن ادامه روال منطقی در فرآیند یکپارچگی با غرب، به محیط پیرامونی خود نیز توجهی اساسی معطوف داشت. یکی از عوامل اساسی پویایی ترکیه در عرصه خارجی مسئله انرژی است. این کشور به پل ارتباطی میان کانون های منبع و مصرف انرژی تبدیل شده است.

بر اساس دکترین «به صفر رساندن مشکل با همسایگان» شاهد بهبود اساسی در مناسبات با ایران، روسیه، یونان و سایر کشورهای منطقه ایم. این دیپلماسی موتور محرک و عامل پویایی سیاست خارجی ترکیه در کسب جایگاه منطقه ای بوده است. مواضع ترکیه تحت رهبری اسلام گرایان میانه رو پیرامون مسئله فلسطین نیز علی رغم جنبه های تبلیغاتی اش، نشان از تعهد عمیق این سیاستمداران به مسایل دنیای اسلام دارد.

اسلام گرایان میانه رو در ترکیه در کنار توجه اساسی به جهان اسلام که با رویکرد حکومت های پیشین قابل مقایسه نیست، به جهان ترک نیز به مثابه بخشی از جهان اسلام تمایل ویژه ای دارند که برخی از تحلیل گران آن را نشأت گرفته از روحیه ایفای نقش تاریخی ترک ها می دانند و از آن با نام اندیشه «نوعثمانی گری» یاد می کنند.

ظهور حکومتی با گرایش اسلامی در ترکیه، علل مختلفی دارد که از مهمترین آن ها، سابقه تاریخی این سرزمین، ناکارآمدی نظام غیردینی ۸۰ ساله و سیاست های جامعه غرب در برابر جامعه مسلمان ترکیه را می توان برشمرد. هرچند دولت اسلام گرای ترکیه مناسبات گسترده ای با غرب دارد، ولی تفاوت ماهوی بین این دولت با حکومت های غربی از بین نرفته است و به عنوان مانعی بر سر راه یکپارچگی کامل ترکیه با دنیای غرب در تمام حوزه ها درآمده است. جهان غرب با درک این واقعیت که نخواهد توانست جامعه مسلمان ترکیه را در خود هضم کند، بلکه بر عکس ممکن است، جامعه ترکیه بر بدنه اروپا تأثیرگذار باشد، فرآیند یکپارچه سازی ترکیه و اروپا را با اجبار و اکراه دنبال می کند.

نکته مهم دیگر درباره اندیشه اسلام گرایی میانه رو درحزب عدالت و توسعه، توجه به دین و فاصله گرفتن از رویکردهای

■ تحول سریع و پویایی داخلی و خارجی مدل ترکیه در طیف گسترده ای از حوزه های مختلف نمود یافته و خطرات و فرصت های جدیدی را فراهم آورده است

اقتدارگرایانه و توسعه فرآیند دموکراسی است، که این رویکرد سبب رضایت و در نتیجه حمایت گروه های مختلف جامعه از آن می شود.

غرب در ظاهر مدل اندیشه اسلام گرایی حزب عدالت و توسعه را جایگزین مناسبی برای اسلام گرایی رادیکال، که منافع غرب را به صورت بنیادین به چالش می کشد، می داند. ولی اگر این تفکر سازگار با غرب در پی اتحاد با سایر بخش های جهان اسلام برآید، همچنان از حمایت غرب برخوردار خواهد بود.

دولت ترکیه با تأکید بر مؤلفه های رئالیستی، رژیم های موجود را به عنوان شرکای اقتصادی قبول کرده است اما با توجه به تأکید شدید بر تعاملات اقتصادی و مؤلفه های لیبرالیستی مجبور به بازبینی سیاست خارجی خود شده است. این رویکرد نشان می دهد که ترکیه در حال حاضر به زبان منطقه سخن نمی گوید و این ممکن است اختلالاتی در سیستم سکولار دینی آنان ایجاد کند. بنابراین مدل لیبرال ترکیه کاملاً بر اساس محاسبات سیاست واقع گرا با هدف تامین منافع ملی این کشور در منطقه حرکت می کند تا دسترسی به اهداف ایدئولوژیک و آرمان گرا.

سیستم سیاسی که در آن اسلام، دموکراسی و سکولاریسم در کنار هم قرار دارند و منجر به یک جامعه صلح طلب شده است که ثبات و شکوفایی اقتصادی را در میان بحران های مالی جهان تجربه می کند. آنکارا معتقد است، دموکراسی در منطقه علاوه بر کمک به پیشرفت های اقتصادی بزرگ منجر به افزایش حجم تجارت ترکیه خواهد شد. در واقع مدل ترکیه از فرهنگ، تاریخ و جغرافیای آن نشأت می گیرد. ترک ها این مؤلفه ها را سرمایه های راهبردی خود در سیاست داخلی و خارجی می دانند در عین حال دیپلماسی جدید عمومی ترکیه بر اساس توسعه قدرت نرم ترکیه در بالکان، خاورمیانه و قفقاز قرار دارد. در حالی که به نظر نگارنده ترکیه به مناطق جدید و قدرت های نوظهور نیز توجه دارد و خود را با آنها همراه می کند. و با متحدان قدیمی نیز رابطه دوستانه دارد و در پی کسب توانایی های جدید برای

توسعه متنوع قدرت نرم و روابط راهبردی در بطن منطقه و جهان است. زیرا ترکیه بر ترس‌های قدیمی خود غلبه و هویت جدیدی برای خود ایجاد کرده است و فرآیند تغییر و اصلاحات کشور تأثیر زیادی روی سیاست داخلی و خارجی ترکیه داشته است. در انتها می‌توان گفت؛ این مدل با تغییرات حاصل از پویایی داخلی ترکیه به دلیل اداره دیپلماسی عمومی و آثار بعدی آن روی سیاست خارجی (قدرت نرم) از طریق نوار گسترده‌ای از اروپا تا آمریکا و خاورمیانه و حتی آسیا مشاهده می‌شود و این پویایی جدید که در دوره مدرنیزه شده ترکیه ظاهر شده است، به روابط در حال گذار ترکیه با نظام بین‌المللی ابعاد جدیدی می‌دهد. همان طور که قبلاً نیز گفته شد، ترکیه جدید حاصل یک تفکر ژئوپلیتیک جدید از یک طرف و اولویت‌های اقتصادی و امنیتی از سوی دیگر است. دیگر نمی‌توان تغییرات تکنیکی در سیاست خارجی ترکیه را با ملاحظات ایدئولوژیک یا نگرانی‌های امنیتی بررسی کرد و قربانی این بازبینی در راهبردسیاست خارجی اگر چه شرکای راهبردی ترکیه از جمله سوریه بوده اند؛ چراکه آنکارا سال ها تلاش کرده بود تا روابط خود را با دمشق عادی سازد اما تحت ردای توسعه الگوی ترکیه‌ای یک دیدگاه واقع گرا وجود دارد و آن جلوگیری از نفوذ روسیه، چین و ایران است.



حقوق بشر و توسعه



مریم طهماسبی

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل
دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

حقوق بشر ناظر به مجموعه‌ای از قواعد، اصول، تمایلات و آرزوهای جوامع انسانی در ارتقای حقوق اساسی انسانی است (عسکری، ساعد و کیل، ۱۳۸۲، ص ۳۸) انسان‌ها به صرف انسان بودن نه به دلیل ویژگی یا موقعیتی خاص، حقوقی دارند (مالمیری، ۱۳۸۵، ص ۸۸). حقوق بشر و توسعه دو مفهوم مرتبط با هم بوده (موسوی ۱۳۸۲، ص ۴۷۴) به این ترتیب توسعه فرآیندی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامع است که با هدف بهبود مستمر رفاه کل جامعه و همه افراد براساس مشارکت فعال، آزادانه و هدفمند آنان هم در انجام و هم در توزیع عادلانه مزایای ناشی از آن تحقق می‌یابد (اعلامیه حق توسعه، قطعنامه ۱۹۸۶/۱۲۱، ۴۱). حقوق بشر باگذشت سه نسل مشخص و متمایز، سیر تکاملی داشت به عبارت دیگر هر یک از جریان‌های تاریخی زمینه‌های موضوع خاصی از حقوق بشر را - که از آن‌ها تحت عنوان نسل‌های حقوق بشر یاد می‌شود - وارد عرصه حقوق و تکالیف کرده است. این سیر تاریخی در مفاهیم سه‌گانه حقوق فردی، مدنی، سیاسی (نسل اول)، حقوق اقتصادی، اجتماعی (نسل دوم) و حق توسعه که در زمره نسل سوم حقوق بشر یا حقوق همبستگی قرار دارد رقم می‌خورد. بازتاب پدیدآمدن نسل سوم حقوق بشر، ایجاد علقه و ارتباط با نسل‌های اول و دوم این حقوق است و پیوندی بین سه نسل برقرار و فرآیند یکپارچگی آغاز می‌شود (عسکری، همان، ص ۹).

تجلی و نمود بارز توسعه حقوق بشر در حق توسعه نمایان تر است. با توجه به موارد ذکر شده می‌توان توسعه حقوق بشر را چنین تعریف کرد: «توسعه حقوق بشر مستلزم توسعه کامل جوامع بشری (شایگان، ۱۳۸۸، ص ۱۶) در کلیه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی

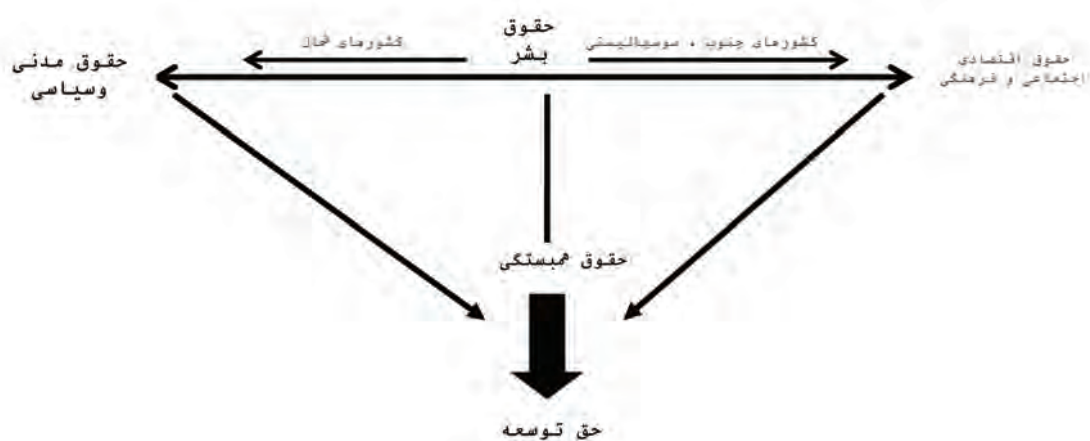
است (موسوی، ۴۷۴، ۱۳۸۲). برای این اساس همه انواع حقوق بشر یک کل یکپارچه، وابسته به یکدیگر و تقسیم ناپذیر را تشکیل می‌دهند و متضمن فرآیندی مشارکتی در جهت توسعه و اجرای حقوق بشری است که در آن تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی قابل تحقق باشد» (شایگان، همان، ص ۲۵-۲۹). توسعه حقوق بشر از نظر تعریف و مفهوم دارای ماهیتی جهانشمول است یعنی ادعای قابلیت اجرا در سطح جهانی نسبت به تمام افراد انسانی را دارد (گلشن پژوه ۱۳، ص ۸۸، ص ۵۵)، بدین معنی که مفهوم حقوق بشر به طرزی جدایی ناپذیر و پیچیده‌ای با جهانی سازی پیوند خورده است (فریمن، ۲۱۸، ۱۳۸۱).

ب: جهانشمولی حقوق بشر

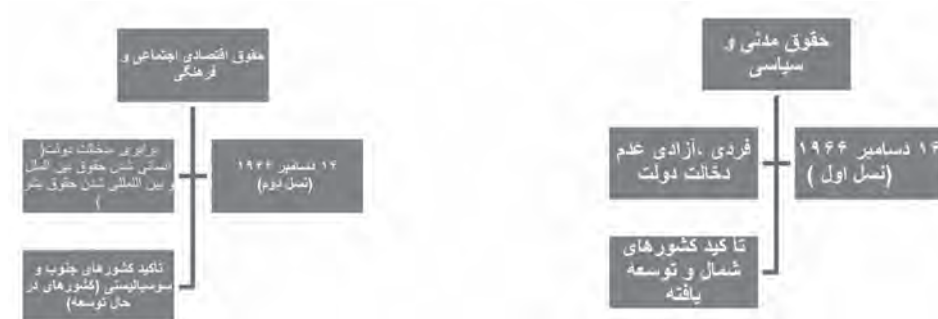
یکی از منابع حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد. تأثیر اعلامیه بر سازمان‌های بین‌المللی و ترتیبات منطقه‌ای از دلایل جهانشمولی آن است (ذاکریان، ۱۳۸۱، ص ۱۴۷). سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نیز نقش مؤثری در توسعه و جهانشمولی مبانی حقوق بشر داشته‌اند (همان، ص ۱۳۹) سازمان ملل متحد به عنوان عامل اجرای حقوق بشر در حمایت از حقوق بشر نقش بیشتری بدست آورده است.

پ: نسل‌های حقوق بشر

طبقه‌بندی حقوق بشر به نسل‌های مختلف فقط به دلیل توجه به سیر تاریخی توسعه و تکامل حقوق بشر صورت می‌گیرد (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۹۰) و گر نه تفکیک و طبقه‌بندی، دلالت بر تفوق یکی بر دیگری و اولویت دسته‌ای از حقوق بر دسته دیگر ندارد. گروهی از اندیشمندان فعال در زمینه حقوق بشر، این حقوق را به سه نسل تقسیم می‌کنند. این دسته‌بندی نخستین بار توسط کارل واساک در سال ۱۹۷۹ پیشنهاد شد، براین مبنا سه نسل از حقوق بشر وجود دارد؛ نسل اول حقوق مدنی و سیاسی، نسل دوم حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و باهمگرایی این دونسل، شاهد ظهور مقوله جدیدی تحت عنوان حقوق نسل سوم موسوم به حقوق همبستگی بودیم. به عبارت دیگر حق توسعه متعلق به نسل سوم حقوق بشر موسوم به حقوق همبستگی یا جمعی است که به حق‌های نظیر حق بر محیط زیست، حق بر صلح و حق بر توسعه اطلاق می‌شود.



«تمام انواع حقوق بشر جهانشمول و تقسیم ناپذیر و با هم وابستگی متقابل و ارتباط تنگاتنگ دارند» (امیر ارجمند، ۱۳۸۳، ص ۳۹) در این کنفرانس تاکید شده «حق توسعه» جهانی، غیرقابل انکار و بخشی از حقوق بنیادین بشر است (اعلامیه نهایی و برنامه عمل کنفرانس جهانی حقوق بشر، وین ۱۹۹۳)

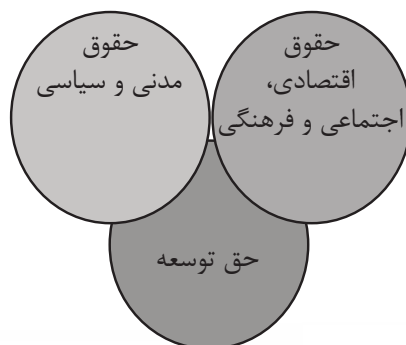


الف) تاپیش از جنگ سرد (اختلاف میان دونسل)

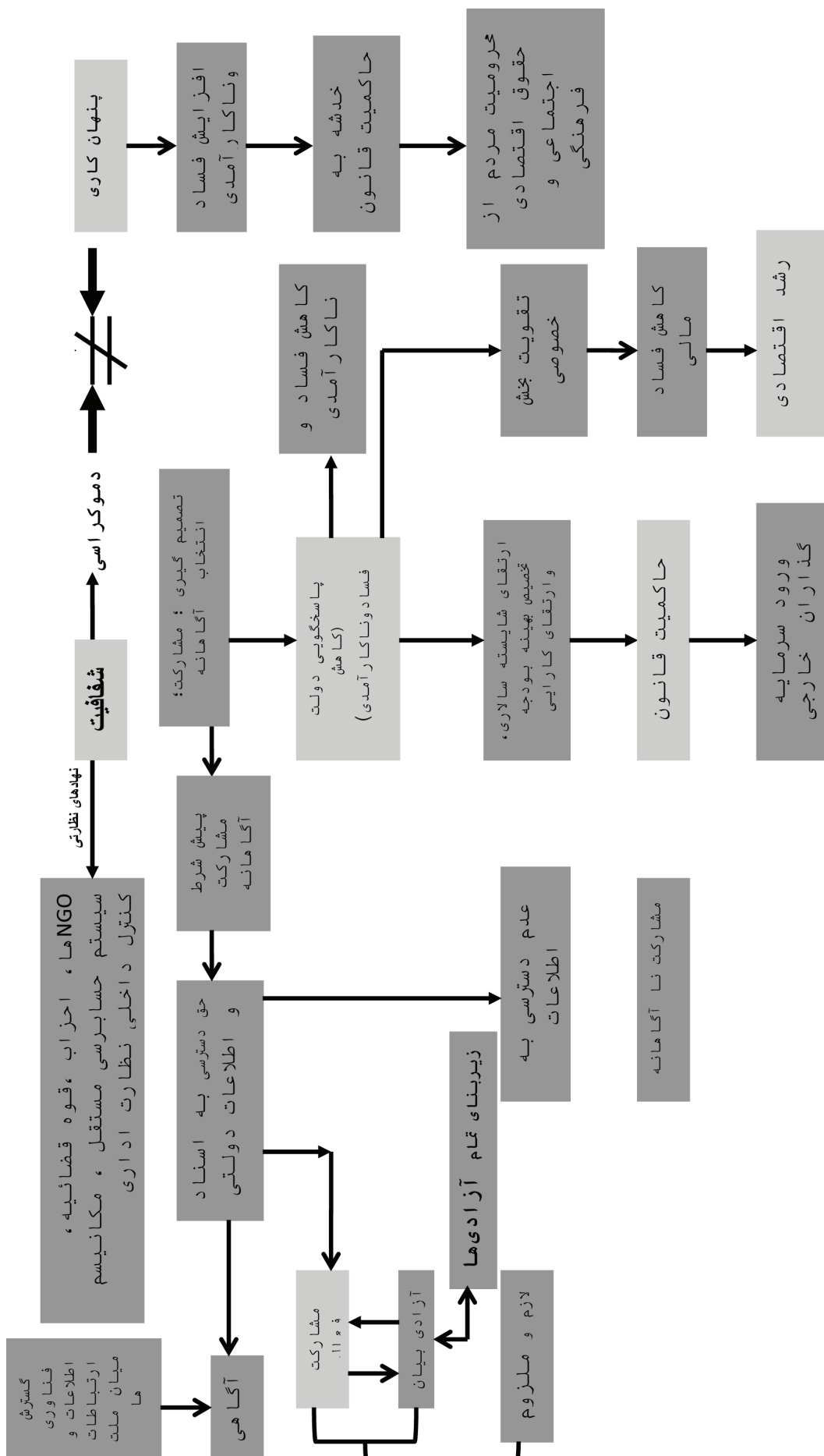


ب) حق توسعه در زمره نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی)

در حق توسعه برای تحقق هر دو دسته حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در یکدیگر ادغام می‌شوند، این وضعیت در شکل زیر ترسیم شده است. حق توسعه منجر به تحقق تمام حقوق بشر می‌شود. معیارهای حق توسعه عبارتند از: ۱- شفافیت ۲- پاسخگویی ۳- مشارکت ۴- عدم تبعیض و انصاف (k.sengupta, ۲۰۰۲، p.۸۴۵)، که در شکل زیر نشان داده ایم.



مولفه های توسعه حقوق بشر



منابع و مأخذ:

الف: فارسی

- ۱- اعلامیه حق توسعه مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۴۱/۱۲۱ مورخه چهارم دسامبر ۱۹۸۶
- ۲- اعلامیه نهایی و برنامه عمل کنفرانس جهانی حقوق بشر وین (۱۹۹۳)
- ۳- امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۸۳)، جهانشمولی حقوق بشر در جهان امروز، شرکت سهامی انتشار.
- ۴- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۱)، حقوق بشر در هزاره جدید، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ۵- شایگان، فریده، (۱۳۸۸)، حق توسعه، مرکز مطالعات حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران.
- ۶- عسکری، پوریا، ساعد وکیل، امیر، (۱۳۸۳)، نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی)، تهران: نشر مجد.
- ۷- فریمن، مایکل، (۱۳۸۱)، حقوق بشر، ترجمه: محمد کیوانفر، تهران: هرمس.
- ۸- گلشن پژوه، محمود رضا، (۱۳۸۸) حقوق بشر در جهان، روندها، موردها و واکنشها، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۹- مالمیری، احمد، (۱۳۸۵)، حاکمیت قانون، مفاهیم، مبانی و برداشت ها، تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش ها.
- ۱۰- موسوی، سید علی، (۱۳۸۲)، بررسی ابعاد حقوق بشری توسعه، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم شماره ۲.
- ۱۱- هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی های اساسی، نشر میزان.

ب- خارجی

1. arjun k.sengupta(2002), the theory and practice on the right to development hrq.

تحلیلی از تحولات سوریه



سید محمدرضا موسوی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای
دانشگاه علامه طباطبائی

دولت‌ها در عرصه سیاست بین‌الملل تحت تأثیر مختصات ساختارهای خویش و کیفیت ساختار نظام بین‌الملل، از الگوهای رفتاری خاصی پیروی می‌کنند که تأمین‌کننده منافع ملی و احترام به ارزش‌های متعالی آنان باشد. لذا هر دولتی داده‌های سیاست خارجی خود را در جهت‌ی سامان می‌دهد که در نهایت بتواند خواست‌ها و نیازمندی‌های امنیتی، راهبردی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... خویش را در کوتاه مدت یا بلند مدت تأمین کند. بررسی تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در چند ماه اخیر و نوع رفتار دیگر بازیگران بین‌المللی در واکنش به تحولات مذکور می‌تواند مبین سمت و سوی جهت‌گیری سیاست خارجی آنان باشد.

یکی از کشورهایی که حرکت‌های اعتراضی هم در آن جا صورت گرفت و در برخی از شهرهای آن، مخالفان با تجمع در خیابان‌های اصلی شهر، شعارهایی را علیه حاکمیت سر دادند سوریه بود. کشوری که نقش بازیگری‌اش با دیگر کشورهای درگیر انقلابات مردمی در منطقه متفاوت بوده و همین تفاوت رفتار سوریه در منطقه سبب واکنش‌های متفاوت بازیگران مؤثر بین‌المللی نسبت به تحولات این کشور شد. از جمله ویژگی‌های تحولات سوریه عبارتند از:

همگان اذعان دارند که موضع سوریه در حمایت از گروه‌های مقاومت، فلسطین و مقاومت در برابر غرب به ویژه رژیم صهیونیستی، غربیها را به شدت نگران کرده و به همین



علت است که در طول سال های اخیر به انحای مختلف تلاش کرده اند که سوریه را از محور مقاومت خارج کنند؛ زیرا بامقاومت بشار اسد از دستیابی به سیاستهای خود نا کام مانده اند؛ به این دلیل امروز از فرصت پیش آمده برای اعمال فشار بیشتر بر سوریه و رسیدن به اهداف خویش بهره برداری می کنند.

موضوع دیگری که نباید از کنار آن به سادگی عبور کرد این است که غربیها با توجه به جهت گیری دینی حرکت های انقلابی در منطقه، به شدت نگران افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه شده اند؛ زیرا تحولات به وجود آمده در منطقه، موقعیت ایران را نسبت به دیگر بازیگران بین المللی در وضعیت برتری قرار داده است.

موضوع بعدی، زمینه سازی برای انحراف افکار عمومی از تحولات جهان اسلام است. غربیها با اعمال فشار بر سوریه و اتهام زنی به ایران تلاش میکنند که افکار عمومی را از تحولات بنیادین در منطقه منحرف سازند؛ لذا همواره سعی کرده اند جمهوری اسلامی ایران را به دوگانگی سیاست خارجی متهم کنند. در حالی که جمهوری اسلامی ایران در مواضع رسمی خود از تمام کشورهای دیکتاتور منطقه خواسته که به حقوق ملت های خود احترام بگذارند. در کشورهایی مثل بحرین و یمن و... اکثریت مردم با رژیم مخالفند و اقلیتی ضعیف حامی دولت ها هستند ولی در سوریه موضوع کاملاً به عکس است. مخالفان اسد عبارتند از گروه هایی مثل القاعده، اخوان المسلمین (در سوریه بر خلاف مصر گرایش سلفی دارند) و کردهایی مانند پ.ک.ک که در ترکیه و ایران وجود دارند.

با توجه به این ویژگی هاست که ایران اسلامی از حرکت های مردمی کشورهای منطقه حمایت می کند ولی از حرکت های محدودی که در داخل سوریه انجام می شود حمایت

نمی‌کند. بر همین اساس، مقام معظم رهبری فرمودند ما از هر حرکتی که در دنیا اتفاق بیفتد حمایت نمی‌کنیم؛ از حرکت‌هایی حمایت می‌کنیم که یا اسلامی باشند یا ضد استکباری و مخالفت‌ها درسوریه هیچ کدام از این ویژگی‌ها را ندارد بلکه به عکس حرکتی استکباری است.

چشم انداز تحولات سوریه

بنابراین چه مطرح شد به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از بدنه و جزئیات کوه یخی سیاست در ارتباط با سوریه قابل مشاهده است. با در کنار هم قرار دادن جزئیات مطروحه، به روشنی می‌توان به ابعاد طرح خطرناک و ماجراجویانه دول مخالف دولت بشار اسد، برای براندازی حکومت وی پی برد. اما مسئله‌ای را که در این زمینه باید مورد توجه قرار داد، این است که اکنون دولت بشار اسد از حمایت برخی کشورهای منطقه و چین برخوردار است، علاوه بر این روس‌ها نیز با ارسال موشک پر قدرت اسکندر به سوریه نشان دادند که هنوز به آن چه در این بازی سیاسی دنبال‌آند، نرسیده‌اند لذا مواضع گذشته خود را حفظ کرده‌اند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که این بازی شطرنج در طول چند ماه آینده نیز ادامه داشته باشد.

نکته آخر این که حتی در صورت حمله نظامی به سوریه و براندازی حکومت بشار اسد با ابزار نظامی و مداخله خارجی، این کشور به سادگی و در یک دوره کوتاه مدت به سامان سیاسی دست نخواهد یافت. ضعف فرهنگ سیاسی، همچنین وجود اقلیت‌ها و فرقه‌های مذهبی متعدد، نفوذ القاعده و البته مداخلات کشورهای خارجی، سوریه را به سوی پرتگاهی خواهد برد که سقوط از آن به معنی شکل‌گیری جنگ خونین فرقه‌ای و قومی برای مدتی نه چندان مشخص خواهد بود. این واقعیتی است که در صورت سقوط دولت بشار اسد برای سوری‌ها توسط کارشناسان سیاسی از جمله محقق برجسته آمریکایی فوکویاما نیز پیش بینی شده است.

■ ضعف فرهنگ سیاسی،
همچنین وجود اقلیت‌ها
و فرقه‌های مذهبی
متعدد، نفوذ القاعده و
البته مداخلات کشورهای
خارجی، سوریه را به سوی
پرتگاهی خواهد برد که
سقوط از آن به معنی
شکل‌گیری جنگ خونین
فرقه‌ای و قومی برای مدتی
نه چندان مشخص خواهد
بود

نگاهی گذرا به تشکیل و تحول اخوان المسلمین



سارا پارسا

کارشناس ارشد مطالعات منطقه ای

اخوان المسلمین یکی از مهم ترین و قدیمی ترین حرکت‌های اسلامی تاریخ معاصر در دنیای اسلام است که حدود ۸۰ سال تأثیرات بسیاری بر حوادث مصر و سایر کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه و جهان اسلام داشته و هنوز نیز دارد.

رواج تفکر سکولاریسم به ویژه گسترش "علمانیت" یا دنیامداری پس از پیروزی آتاتورک در ترکیه و لغو خلافت در این کشور، اوضاع نامساعد اقتصادی، تبعیض‌های موجود در جامعه، برانگیخته شدن احساسات ملی گرایی مصریان بر ضد انگلیسی‌ها در دوران اختناق بعد از سال ۱۹۱۹ و اقبال مردم مصر به اصلاح اوضاع داخلی و گسترش نفوذ استعمار در کشورهای اسلامی و... در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی اول، زمینه‌های شکل‌گیری جنبش اخوان المسلمین را به وجود آورد.

هسته تشکیلاتی اخوان در سال ۱۹۲۸ در شهر اسماعیلیه مصر شکل گرفت اما در کمتر از دو دهه، افکار و اندیشه‌های حسن البنا و حزبش از مرزهای مصر عبور کرد.

آزادسازی دنیای اسلام از سلطه بیگانگان، مبارزه با جهل، بیماری و فقر، ترویج صلح جهانی، تجدید خلافت اسلامی، ایجاد یک دولت مذهبی، وحدت کشورهای عرب و مسلمان از اهداف عمده اخوان بود. اما هدف نهایی اخوان المسلمین برقراری یک حکومت اسلامی بامحورشریعت است. همچنین تعیین سرنوشت جامعه مسلمین و بازگشت به قرآن در قالب وظیفه شرعی و برای حفظ جامعه اسلامی در برابر انحرافات از اهم اهداف آنان به حساب می‌آید. درچنین جامعه ای علاوه بر قرآن، از سنت، اجماع، قیاس و آرای مجتهدین هم میتوان استفاده کرد، لذا باید مطابق با نیاز زمان احکام را بررسی و تفسیر نمود.

از بین رهبران و بزرگان این نهضت حسن البنا، حسن الهضیبی، عمر تلمسانی و سیدقطب بیش از سایرین بر جریان و عملکرد اخوان تأثیر گذاشته‌اند.

پس از تأسیس اخوان در مصر و شعبه های آن در سایر کشورهای اسلامی، جنبشهای اسلامی در همه جای جهان اسلام و حتی در میان مسلمانان ساکن کشورهای غربی رواج یافت و آنان یا وابستگی تشکیلاتی با اخوان برقرار کردند، یا کم و بیش تحت تأثیر آن قرار گرفتند. اولین شعبه خارجی اخوان در سال ۱۹۳۷ در دمشق ایجاد و در سال ۱۹۳۹ با تکیه بر آرمان فلسطین و دفاع از حقوق اعراب به یک سازمان سیاسی مبدل شد و این امر منجر به گسترش نفوذ آنان در سوریه، اردن و تا حدودی در لبنان، سودان و شمال آفریقا گردید. جنبش اخوان، شاخه نظامی (شاخه کتائب) را نیز به وجود آورد که خشونت نظامی و ترورهای سیاسی را با هدف تغییر اجتماعی و سیاسی و علیه خشونت حکومت بکار گرفت. اخوان المسلمین از بدو تولد تا به امروز دچار دگردیسیهای فکری و تحولات مختلف از نظر رهبری، ساختاری و اندیشه شده است که بررسی هر دوره مفید است.

در عرصه اندیشه به رغم برخی اصول مانند ارشاد و تبلیغ برای برقراری حکومت اسلامی، سیاست گام به گام و مسالمت آمیز، کثرت گرایی و تحزب گرایی، می توان به مواردی مانند ضدیت با اسرائیل و حمایت از مقاومت فلسطین نیز اشاره کرد. اخوانیها به تدریج از ایده هایی مانند تشکیل خلافت و امت اسلامی به سوی دموکراسی، تحزب گرایی و توجه به حقوق زنان حرکت کرده اند و نوعی عملگرایی و توجه به واقعیتهای موجود نیز در آنها مشاهده میشود. استفان لاکروا، متخصص اسلام سیاسی در فرانسه می گوید؛ در اخوان المسلمین به طور کلی سه گرایش اصلی وجود دارد:

گرایش نخست: شاگردان سید قطب (نظریه پرداز مصری که در سال ۱۹۶۶ در زمان حکومت جمال عبدالناصر اعدام شد)، طرفدار حکومت اسلامی اند.

گرایش دوم: پیروان سلفی که پیشنهاد احیای جامعه اسلامی زمان صدر اسلام و تفسیر دقیق متون دینی را میدهند.

گرایش سوم: مسلمانان دموکرات که کوچکتر از دو گرایش قبلی اند و به کارگیری همزمان اسلام و دموکراسی را خواهانند.

به نظر میرسد اخوان المسلمین بعد از انقلاب اخیر در صدد ارائه نظامی مبتنی بر مفاهیم و واقعیاتی به نام دموکراسی، جامعه و دولت مدنی و حقوق بشرند که با آرای مؤسسان و بزرگان پیشین تطبیق ندارد و برپایه تقلید از حزب اسلامگرای عدالت و توسعه در ترکیه بنا نهاده شده است..

اخوانیها در انقلاب اخیر از برپایی حکومت مدنی با مرجعیت اسلام سخن گفتند و نتیجه عملی این شعارها منوط به گذر زمان است که آیا به بار مینشیند یا زیر بار می رود؟!

THE TURKISH MODEL GOVERNANCE FOR THE EGYPTIAN GOVERNMENT

احسان اعجازی

کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی



This paper will study the capacity of the future government of Egypt for holding Turkish government up as a model. The main question of this paper is that can Turkish government be a model for new Egyptian government? The paper attempts to provide an answer to the question that how Turkish government can influence the next Egyptian government. The main conclusion to be drawn from this paper is that owing to new government of Egypt will form because of revolution and Turkish government has been formed through democratic process, it seems unlikely that the new government can hold Turkish government up as a model.

The paper compares society and government of Turkey with there Egyptian's ones. In Turkish society, Islam as a way of life has a significant role. In fact, Islam is a national tie, a source of identity and the main source of legitimacy. In the society of turkey, there is basic conflict between secularism and Islamic values.

In contrast to Turkish Muslims, Egyptian Islamists, especially Salafists, interpret Islam as an ultra place and ultra time. In fact, they believe Islam makes an ideal way of life for all places and periods. They assert Islamic

values must be fully implemented similar to the early years of Islam. Egyptian Muslims firmly believe that Quran is a strong constitution.

Turkey became a multiparty democracy in 1946, since then military – led parliaments have designed the constitution. Political system of Turkey consisted of liberal, conservative (Islamic) parties. Welfare party and Justice and development party are the most important Islamic parties in Turkey. In February 28, 1997, constitutional court dissolved the Welfare party. The February 28 process is known as the soft coup because military removed RP-led government. JDP gained power in 2002 through elections, and achieved comfortable victories in 2007 and 2011 elections. JDP leaders believe Islamic principles are compatible with Democratic values. Facing up to liberal parties, they adopted accommodation policies, not confrontation.

In 1977, Egyptian leaders formed a multiparty system, but state –owned National Democratic Party (NDP) dominated the political scene. In every election, NDP leaders attempted to use public and state owned facilities to win elections. This situation represents very unfair competition among Egyptian political parties. After popular uprising in 2011, Islamic group gained upper hand arena. Muslim Brotherhood (MB) movement could form a party known as freedom and Justice party(FJP). In recent presidential election, its candidate could achieve narrow victory. MB leaders strongly believe that Islam has a perfect plan and it should be considered as an ultimate arbiter in society. They reject outright that notion of separation between religion and politics. Although they strongly advocate democratic approach, but eventually they want to form an Islamic government.

In both countries, military elites have a crucial role in political scene. The military in Turkey is distinctive. Intervening four times to change governments since 1960, the military has always restored civilian rule to fix the limits of acceptable security policies in foreign affairs, defend secularism, and fight Kurdish separatism. Actually, military is staunch defender of Turkish secular system. JDP have adopted the strategy to reduce influence of Turkish Army Forces(TAF) greatly. To do so, government decided to retire diplomats over

the age of 61, because Foreign Ministry and its diplomats are seen as one of the strongest foundations of the secular establishment. In May 2004, military elites severely criticize government because of its decision to implement education reform plan.

Since 1952, Egyptian people have been under military rule. All of Egyptian presidents were chosen from among military elites except last one. After peaceful uprising in 25 January 2011, Hosni Mubarak was forced to resign from presidency after 29 years in power.

To sum up, it is worth mentioning that Islamic identity in both countries is insignificantly different. Military elites in both countries act in a different way. Today, Egypt is in the period of transition. Some political experts believe that democratic culture does not exist in Egyptian society and new government of Egypt is formed by revolution. Meanwhile Turkish government is formed based on democratic process. Turkey 60 years, from 1950 to 2010 imposes a huge amount of civilian control over the military. However, in Egypt, Democratic consolidation is not an easy task, if Egyptian politicians and the public are committed to achieve genuine democracy, they must be ready to pay the price. Therefore, it looks very unlikely Egyptian government hold Turkish government up as a model.



بررسی نقش ایران در تحولات عراق

نشست تخصصی بررسی تحولات عراق و سوریه با همکاری انجمن ایرانی مطالعات جهان و گروه مطالعات عراق و مصر روز دوشنبه ۲۰ آذرماه ۹۱ در تالار ایران دانشکده مطالعات جهان برگزار شد. دکتر امیری مقدم (کارشناس مسائل جهان عرب) ضمن مرور تحولات عراق از زمان حمله آمریکا به این کشور، تحلیلی اجمالی از نقش ایران در این تحولات ارائه کرد. وی با مقایسه رویکرد ایران و آمریکا به روند سیاسی طی شده در عراق گفت: در طول مدت زمامداری دولت موقت و انتقالی عراق، آمریکا تلاش می کرد لیبرال ها در این کشور به قدرت برسند در حالی که ایران خواهان روی کار آمدن دولتی شیعی بود. آمریکا سعی داشت این طور القا کند که عراقی ها توان درک درست مفهوم دموکراسی را ندارند و به تنهایی نمی توانند آن را در کشورشان پیاده کنند در حالی که ایران بر حق حاکمیت مردم این کشور بر سرنوشت کشورشان تأکید می ورزید.



وی در ادامه بیان دیدگاهش افزود: در صورتی که گروه های عراقی مانع نفوذ سیاسی آمریکا در این کشور می شدند ایران نیز حاضر بود برای برقراری دموکراسی در عراق به کمک آنها بشتابد. اما بعضی گروه های عراقی با جهت گیری به سمت آمریکا مصالح این کشور را نادیده گرفتند، ولی در نهایت پی بردند که سیاست شان اشتباه بود.

شایان ذکر است این سخنرانی به زبان عربی ایراد شد و دکتر امیری به بررسی تحولات چند سال اخیر عراق و رویکرد ایران به عراق و معارضه این کشور و آینده تحولات منطقه پرداخت.

در پایان این گفتار، حاضران پرسش های خود را از سخنران درباره مباحث طرح شده و جایگاه ایران در منطقه درمیان گذاشتند. دکتر امیری مقدم در پاسخ به سؤالی درمورد سهم واقعی ایران از قدرت در منطقه گفت: خاورمیانه منطقه ای راهبردی است و دو دروازه دارد یکی خلیج فارس و دیگری مدیترانه. همان طور که آلبرایت، وزیر خارجه پیشین آمریکا گفت؛ ایران قلب خلیج فارس است و نقش بسیار مهمی در میان سایر کشورهای منطقه ایفا می کند. البته این به معنای نادیده گرفتن قدرت اقتصادی کشورهای مصر و ترکیه نیست. وی همچنین در پاسخ به پرسشی در مورد علت پایین بودن سطح تعاملات منطقه ای ایران در بعضی زمینه ها گفت: ایران همواره سعی کرده است قدرتی تأثیر گذار در منطقه باشد و همین طور هم بوده است. بعضی دولت های منطقه خاورمیانه تلاش کرده اند مانع این امر شوند. از زمان وقوع انقلاب اسلامی و با هدف مقابله با نظام، تاکنون دو مسئله مورد توجه این دسته از دولت ها بوده است: بحث مذهبی قلمداد کردن و دمیدن در تنور اختلافات شیعه و سنی؛ و بحث دوم احیای ناسیونالیسم عربی و دامن زدن به اختلافات موجود میان اعراب و ایران. آنها تلاش کرده اند تا با استفاده از این تفاوت ها مانع قدرت گرفتن ایران شوند و ایران نیز همواره تلاش کرده است تعاملات خود با کشورهای منطقه را فراتر از این مباحث قرار دهد. برای مثال در حال حاضر شیعیان عراق، ایران را به عنوان تنها کشور دوست و حامی خود می شناسند و دیدگاه ها نسبت به ایران در مقایسه با سال های گذشته تغییر زیادی کرده است.

همایش صلح و روابط بین الملل



همایش یک روزه "صلح و روابط بین الملل؛ رویکرد ایرانی-اسلامی" با مشارکت انجمن ایرانی مطالعات جهان و به همت انجمن ایرانی روابط بین الملل روز دوشنبه ۱۱ دی ماه ۱۳۹۱ در مجموعه برج میلاد تهران برگزار شد.

در این همایش شمار زیادی از استادان و دانشجویان رشته های علوم سیاسی و روابط بین الملل شرکت کردند. در ابتدای جلسه دکتر ارسلان قربانی، قائم مقام وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس انجمن روابط بین الملل، ضمن تشکر از شرکت کنندگان در همایش، نقش جوانان را در علم آموزی مهم دانست. وی با اشاره به تقاضای گسترده ای که برای ادامه تحصیل در رشته روابط بین الملل وجود دارد بر توسعه این رشته و رشته های وابسته بر اساس نیازهای کشور تأکید کرد. دکتر قربانی گفت: از سویی



■ دبیر علمی همایش صلح و روابط بین‌الملل در مورد انتخاب عنوان این همایش گفت: یکی از مباحث مطرح در زمینه روابط بین‌الملل مسئله صلح است و انتخاب عنوان ایرانی-اسلامی برای این گردهمایی به معنای نفی سایر دیدگاه‌ها و رویکردها نیست؛ بلکه به این معناست که نگرش بومی به مسائل روز باید در کنار سایر رویکردها مورد توجه قرار گیرد تا علم روابط بین‌الملل، علمی انتزاعی نباشد و با توجه به نیازهای روز سیر تکوینی و تدریجی خود را طی کند

نیازهای جوامع بشری در حال تغییر است و از سوی دیگر تحولاتی در روش شناسی و ساختارشناسی علم و همچنین در لایه های قدرت در سطح منطقه و جهان به وجود آمده و یکی از وظایف انجمن ها این است که متناسب با این نیازها در زمینه تولید دانش و محتوای علمی گام بردارند. دبیر علمی همایش صلح و روابط بین الملل در مورد انتخاب عنوان این همایش گفت: یکی از مباحث مطرح در زمینه روابط بین الملل مسئله صلح است و انتخاب عنوان ایرانی-اسلامی برای این گردهمایی به معنای نفی سایر دیدگاه ها و رویکردها نیست؛ بلکه به این معناست که نگرش بومی به مسائل روز باید در کنار سایر رویکردها مورد توجه قرار گیرد تا علم روابط بین الملل، علمی انتزاعی نباشد و با توجه به نیازهای روز سیر تکوینی و تدریجی خود را طی کند.

این همایش در یازده نشست مجزا و با ارائه ۷۳ مقاله منتخب از مجموع مقاله های دریافتی در چهار سالن از مجموعه سالن های برج میلاد برگزار شد. عناوین کلی این نشست ها عبارت بودند از:

مبانی مفهومی و روش شناختی صلح

فرهنگ و صلح بین الملل

حقوق بین الملل و صلح بین الملل

اقتصاد جهانی و صلح بین الملل

قدرت های بزرگ و صلح بین الملل

بازیگران دولتی و غیردولتی و صلح بین الملل

سازمان های بین المللی و صلح بین الملل

فناوری ارتباطات و ابزارهای صلح سازی

اسلام و صلح بین الملل

فرهنگ ایرانی، اندیشمندان ایرانی و صلح بین الملل

انقلاب اسلامی، سیاست خارجی و صلح بین الملل

یادآور شود در حاشیه همایش، نمایشگاه کتابی از سوی برخی از مراکز علمی مانند انجمن

ایرانی مطالعات جهان، دانشگاه امام صادق (ع) و مؤسسه ابرار معاصر تهران برپا شد و مورد

توجه بازدیدکنندگان قرار گرفت.

یادآور می شود؛ بسیاری از اعضای

انجمن مطالعات جهان و دانشجویان

دانشکده مطالعات جهان در این

همایش شرکت داشتند.

در این راستا، رحمت حاجی مینه،

استاد دانشگاه نیز در همایش «صلح

و روابط بین الملل: رویکرد ایرانی

- اسلامی» با ارائه مقاله ای تحت





عنوان رویکردهای متفاوت برای تبیین صلح و امنیت در حوزه تروریسم گفت: تروریسم بعد از حملات یازده سپتامبر در ایالات متحده تحت عنوان جنگ علیه ترور به مفهومی اصلی در روابط بین الملل چه در عرصه نظری و چه در عرصه عملی تبدیل شد و ما شاهد تحولاتی در هر دو حوزه بوده‌ایم.

وی ادامه داد: پس از حوادث یازده سپتامبر، جنگ‌هایی در عراق و افغانستان تحت پوشش جنگ علیه ترور روی داد و منازعات قدرت‌های بزرگ گسترش یافت و میلیاردها دلار صرف مبارزه با تروریسم شد تا بدین شکل تروریسم ریشه کن شود اما قدرت‌های بزرگ تاکنون نه تنها نتوانسته‌اند مساله تروریسم را حل کنند بلکه از کنترل آن هم ناتوان مانده‌اند.

وی سپس مولفه‌های نظریه انتقادی را به لحاظ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تشریح کرد که بر این اساس، تروریسم یک واقعیت اجتماعی، تاریخیو بین‌الذهانی است و ماهیت آن به شرایط، قصد، نیت و فرآیند اجتماعی موجود بستگی دارد لذا راه حل آن نیز صرفاً از طریق نظامی ممکن نخواهد بود و باید رویکردی جامع‌تر اتخاذ شود.

بسیاری از چهره‌های دانشگاهی شاخص در عرصه روابط بین‌الملل از جمله دکتر ابراهیم متقی، دکتر حمیرا مشیرزاده، دکتر احمد سلطانی نژاد، دکتر محمدرضا سعیدآبادی، دکتر محمدکاظم سجادیپور، دکتر علی اکبر علیخانی، دکتر حسین دهشیار، دکتر نوذر شفیعی، دکتر حسین نوروزی، دکتر اصغر کیوان حسینی، دکتر اکرم قدیمی، دکتر محمدجواد حق‌شناس، دکتر زهره پوستینچی، دکتر جلال دهقانی فیروزآبادی، دکتر احمد نقیب زاده، دکتر رحمت حاجی‌مینه، دکتر محمدجواد رنجکش، دکتر احمد جانسیز و دکتر محسن خلیلی در این همایش حضور داشتند و هر یک به ارائه مقاله خود پرداختند.

**همایش
پیشرفت
و توسعه
علمی کشور؛
راهکارها
و موانع
اجرای
برنامه پنجم
توسعه**

دومین همایش "پیشرفت و توسعه علمی کشور؛ راهکارها و موانع اجرای برنامه پنجم توسعه"، روز دوشنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۹۱ به همت شورای انجمن‌های علمی ایران و با مشارکت انجمن ایرانی مطالعات جهان در سالن همایش‌های رازی دانشگاه علوم پزشکی ایران برگزار شد. در این همایش که نمایندگان از هیأت مدیره انجمن‌های علمی کشور، دبیر کمیسیون انجمن‌های علمی ایران و جمعی از مسئولان دولتی حضور داشتند، مقاله‌هایی در محورهای هشت گانه زیر ارائه شد:

- بررسی روند اجرایی قوانین مرتبط با امور علمی و پژوهشی در برنامه پنجم توسعه
- ساختار مدیریت علم و فناوری در کشور
 - شاخص‌های مختلف پیشرفت در حوزه‌های علمی
 - نقش و جایگاه انجمن‌های علمی در پیشرفت کشور
 - اهمیت شایسته سالاری در توسعه علمی کشور
 - متناسب‌سازی آموزش عالی با نیازهای برنامه پنجم توسعه
 - نقش مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام در تحقق برنامه پنجم توسعه
 - آسیب‌شناسی توسعه علمی کشور از جنبه اخلاقی و فرهنگی
- در افتتاحیه برنامه پس از سخنان دکتر سیف، دبیر اجرایی همایش، درباره فعالیت‌های شورای انجمن‌ها و نحوه برگزاری همایش، دکتر مجتبی شریعتی نیاسر، ریاست شورا، درباره اهمیت نقش و جایگاه انجمن‌های علمی در مدیریت علمی کشور سخن گفتند.
- دکتر شریعتی با انتقاد از بودجه محدود اختصاص یافته به انجمن‌ها گفت: متأسفانه در حال حاضر بودجه کل انجمن‌های علمی از بودجه ضعیف‌ترین دانشگاه کشور کمتر است. وی افزود: با توجه به جریان رو به رشد تعداد انجمن‌های علمی، تنوعی که در حوزه‌های فعالیت انجمن‌ها وجود دارد و پتانسیل بالای آنها برای تولید دانش از مسئولان انتظارهایی داریم که مهم‌ترین آن اختصاص ردیف بودجه به شورای انجمن‌ها و اختصاص فضایی متمرکز برای استقرار انجمن‌های علمی است. در ادامه جلسه دکتر محمدرضا سعیدآبادی، دبیر کمیسیون ملی یونسکو، پیرامون ضرورت و زمینه‌های فعالیت مشترک بین یونسکو و انجمن‌ها سخن گفت. دکتر سعیدآبادی گفت: امروزه نقش و نفوذ دولت‌ها در سیاست‌گذاری جهانی کم و به نقش سازمان‌های غیردولتی و غیرانتفاعی افزوده می‌شود. وی با اشاره به تفاهم‌نامه‌ای که اخیراً بین کمیسیون یونسکو و شورای انجمن‌ها منعقد شد، موارد زیر را به عنوان زمینه‌های همکاری مشترک برشمرد:
- معرفی دانشمندان و فرهیختگان ایرانی به عنوان مشاهیر علمی از طریق یونسکو
 - تهیه مجلدی از فعالیت‌ها و دستاوردهای علمی و فرهنگی کشور برای معرفی به دنیا به زبان‌های مختلف
 - فراهم آوردن امکان حضور نمایندگان از انجمن‌ها برای شرکت در اجلاس‌های یونسکو
 - فراهم آوردن امکان حضور نمایندگان از انجمن‌ها به عنوان کارشناسان تخصصی

سخنران بعدی این نشست حجت الاسلام ابوترابی فرد، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، بود. ابوترابی فرد گفت: مهم ترین دستاورد انقلاب اسلامی توسعه علمی کشور است. علم ثمره حیات عقلانی مبتنی بر خردورزی است. با آن که تولید دانش امری سخت و طاقت فرسا است تبدیل آن به فناوری به مراتب سخت تر است و کشورهای که ابزار تبدیل دانش به فناوری را دارند دانش تولید شده توسط ما را می بلعند و آن را به صنعت تبدیل می کنند. نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به تحریم های غرب علیه ایران گفت: تحریم ها، استقلال سیاسی، توجه به منافع ملی، استعداد و درک نیازها و ضرورت ها سبب شده در سال های اخیر شتاب قابل تقدیری در تولید دانش به فناوری داشته باشیم. اما مرحله بعدی تبدیل فناوری به ثروت است که متأسفانه در این زمینه ضعیف عمل کرده ایم و به طفل نوپایی می مانیم. زیرا اقتصاد، صنعت و کشاورزی ما مبتنی بر دانش نیست. وی در ادامه اظهاراتش به مدیریت علمی کشور اشاره کرد و گفت: در قانون برنامه پنجم توسعه نگاه ویژه ای به انجمن ها وجود دارد ولی تنها برنامه ریزی کافی نیست و سلوک مدیریتی برنامه نیاز به فرهنگ دیگری دارد. ما باید برنامه را نقشه راه بدانیم و در هر قدم به آن نگاه کنیم نه این که برنامه های بخشی بنویسیم و در آن ها تنها بخش خودمان را ببینیم. در ادامه این همایش همچنین از منشور انجمن های علمی که توسط شورای انجمن ها

■ تحریم ها، استقلال
سیاسی، توجه به منافع
ملی، استعداد و درک
نیازها و ضرورت ها سبب
شده در سال های اخیر
شتاب قابل تقدیری در
تولید دانش به فناوری
داشته باشیم

تهیه شد، رونمایی به عمل آمد. نشست‌های صبحگاهی شامل سه پانل مجزا با موضوع های مدیریت علم و فناوری کشور، وضعیت علمی کشور در انطباق با برنامه پنجم توسعه و قوانین مرتبط و ارتباط پژوهش تقاضامحور و پیشرفت کشور برگزار شد. همچنین نشست‌های بعدازظهر همایش را صاحب نظران در شش حوزه تخصصی کشاورزی، علوم انسانی، بین رشته ای، فنی مهندسی، علوم پایه و هنر با ارائه مقالاتی و پرسش و پاسخ برگزار کردند. در بخش پایانی، قطعنامه همایش توسط دکتر عبدالرسول تلوری قرائت شد.



دومین مجمع عمومی انجمن ایرانی مطالعات جهان

دومین مجمع عمومی انجمن ایرانی مطالعات جهان روز سه شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۱ در تالار حنانه دانشکده مطالعات جهان در دانشگاه تهران برگزار شد.

در آغاز مجمع، دکتر سعیدرضا عاملی، رئیس هیأت مدیره انجمن به نقش، جایگاه و نحوه فعالیت های انجمن پرداخت. دکتر عاملی ضمن اشاره به نیاز کشور به شناخت کشورهای جهان از جنبه های گوناگون بر ضرورت در نظر گرفتن نکات زیر در فعالیت های انجمن تأکید کرد: ریل گذاری فکری در حوزه مطالعات بین‌المللی، با هم بودن، همکاری، تبادل فکری و تولید محتوای مفید و مؤثر برای گشودن گره های فرهنگی. ایشان همچنین با ابراز رضایت از مسیر طی شده انجمن، این حرکت را رو به رشد توصیف کرد.

در ادامه برنامه، دکتر جواد شهرباف (مدیر اجرایی انجمن)، گزارشی از فعالیت های انجمن در سال علمی ۹۰-۹۱ ارائه کرد. این گزارش شامل مروری بر فرایند تأسیس و عملکرد انجمن در زمینه های توسعه ساختاری، علمی و پژوهشی بود. همچنین فهرستی از همایش ها، نشست ها، انعقاد تفاهم نامه های همکاری و برنامه های انجمن تا پایان سال جاری ارائه شد.

در ادامه جلسه، دکتر سلطانی نژاد، عضو هیأت مدیره انجمن، توضیحاتی درباره برنامه انجمن برای برگزاری کارگاه های مجازی ارائه داد و به تلاش انجمن برای برگزاری کارگاه های آموزشی از طریق کلاس های آنلاین و مجازی اشاره کرد و گفت: می توان از افراد برجسته در کشورهای دیگر که در زمینه مطالعات کشورشناسی کار کرده اند دعوت کرد تا به صورت آنلاین کارگاه ها را برگزار کنند.

دکتر اسدالله اطهری، یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره انجمن نیز در سخنانی به این نکته اشاره کرد که انجمن‌ها را نباید از بالا اداره کرد، نهادهای باید از درون دانشجویان اداره شوند و بهتر است استادان دانشکده مطالعات جهان و گروه‌ها نیز با انجمن تعامل داشته باشند.

سپس اسناد راهبردی پنج ساله و سند توسعه روابط بین‌المللی انجمن و نیز برنامه‌های اجرایی سال ۱۳۹۲ که پیش‌تر از طریق ایمیل برای اعضا ارسال شده بود، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. طبق برنامه، اعضای انجمن درباره برنامه‌های پیشنهادی و اصلاحات متناسب به بحث و تبادل نظر پرداختند و سرانجام در حضور نماینده کمیسیون رای‌گیری شد و اسناد مذکور به اتفاق آرا به تصویب رسید. در این جلسه فرم‌های نظرسنجی در باره فعالیت‌های انجمن در یک سال گذشته نیز توزیع و توسط اعضا تکمیل شد.



کارگاه روابط بین الملل

کارگاه آموزشی شناخت و کاربرد نظریه های روابط بین الملل ۲۵ بهمن ۱۳۹۱ با حضور چهار تن از استادان این حوزه برگزار شد.

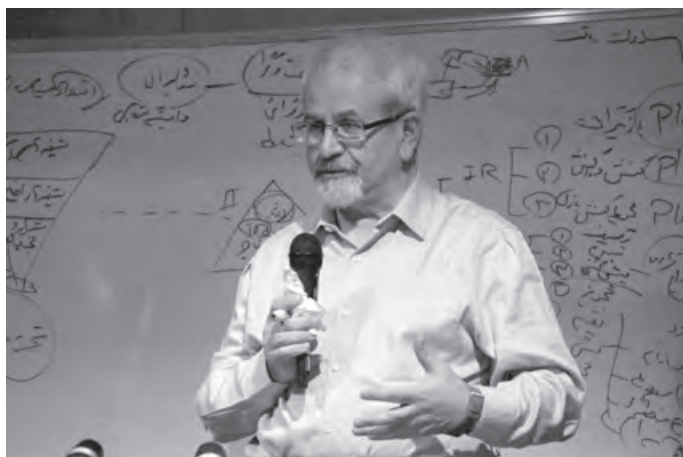
این کارگاه از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعدازظهر در چهار جلسه جداگانه به منظور ارتقای دانش نظری و کاربردی دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته های مختلف دانشکده مطالعات جهان و سایر دانشجویان دانشگاه تهران در حوزه مطالعات روابط بین الملل در تالار حنانه دانشکده مطالعات جهان ادامه داشت.

کارگاه آموزشی شناخت و کاربرد نظریه های روابط بین الملل، با حضور دکتر حسام الدین واعظ زاده، استاد روابط بین الملل و مدیر گروه مطالعات بریتانیا در دانشکده مطالعات جهان و با موضوع «مقدمه ای بر تئوری های روابط بین الملل» کار خود را آغاز کرد.

در جلسه دوم، دکتر حمیرا مشیرزاده، استاد روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران با طرح موضوع «عامل قدرت و دولت در تئوری های روابط بین الملل» مباحث خود را برای حاضران در کارگاه تشریح کرد.

جلسه سوم این کارگاه آموزشی با حضور دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی، استاد روابط بین الملل و رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تشکیل شد. وی کارگاه را با تبیین موضوع «مکتب انتقادی، سازنده گرایی و دیدگاه اسلامی روابط بین الملل» اداره کرد. جلسه پایانی کارگاه با عنوان «تجزیه و تحلیل سیاست خارجی و تئوری های آن» با سخنرانی دکتر سید محمد کاظم سجادیپور، استاد روابط بین الملل و معاون پژوهشی دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه برگزار شد.

کارگاه به همت دفتر هماهنگی دانشگاه و با همکاری انجمن ایرانی مطالعات جهان برگزار شد و در پایان به شرکت کنندگان گواهی نامه ویژه شرکت در کارگاه اعطا گردید.



برگزاری نشست «گفتمان اسلام در اروپا»

این نشست، با حضور استادان اتریشی دانشگاه وین و با مشارکت انجمن ایرانی مطالعات جهان، گروه و انجمن علمی مطالعات کشورهای آلمانی زبان و نیز سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی "گفتمان اسلام در اروپا" برگزار شد.

در این نشست یک روزه (سه شنبه اول اسفند ۱۳۹۱) در تالار ایران دانشکده مطالعات جهان، ابتدا دکتر یونس نوربخش، مدیر گروه مطالعات کشورهای آلمانی زبان، این رشته و زمینه‌های مطالعاتی آن را معرفی و بر اهمیت و شناخت دو جانبه و مطالعات بر مبنای هرمنوتیک تأکید کرد. گفتمان اسلام، فرصت‌ها و مشکلات پیش روی آن، موضوع بحث دکتر سعید فیروزآبادی بود. وی شناخت مطالعات کاربردی دربارهٔ مسلمانان به ویژه مهاجران مسلمان در اروپا را از مهمترین مسائل اروپا ارزیابی کرد. به نظر دکتر فیروزآبادی اتحادیه اروپا با داشتن ۱۰ میلیون نفر مسلمان در میان جمعیت ۴۸۰ میلیونی خود با فرصت‌ها و مشکلاتی رو به رو شده که گفتمان اسلام را به موضوعی در جایگاه بالایی از اهمیت قرار می‌دهد.

دکتر اشتفان هامر از اتریش به عنوان اولین سخنران میهمان با اشاره به جنبه‌های حقوقی گفتمان اسلام در اروپا یادآوری کرد: حقوق مهاجران و مسلمانان در چارچوب سیاست‌های مهاجرتی کشورش قرار دارد و در کمتر جایی با مشکلی اساسی در ارتباط با این موضوع مواجه شده است. به بیانی دیگر اتریش در زمرهٔ کشورهای قرار دارد که از همگرایی بالایی نسبت به مهاجران و مسلمانان برخوردار است. از جمله آنان مهاجران ایرانی اند که با برخورداری از سطح تحصیلات بالا و مشاغل درجه اول از این نظر وضعیت مناسبی دارند.

در ادامه برنامه نشست، دکتر میلر فانک دیگر استاد اتریشی از دانشگاه وین با اشاره به چارچوب‌های همگرایی و قاعده‌های اصولی این حوزه، گفت: در هر ایالت مقررات در



چارچوبی خاص بر اساس تنوع و فشردگی مهاجران اجرا می‌شود. مسلمانان در کنار ملیت‌ها و فرهنگ‌های دیگر فرصت حضور در جامعه اتریش را دارند. وی وجود رشته‌های مربوط به اسلام‌شناسی و حضور مراکز فرهنگی و اسلامی (که ایران خود از بیشترین تعداد مؤسسه در این کشور برخوردار است) را از نمونه‌های بارز این فرصت‌ها دانست.

در ادامه نشست از سوی دانشجویان و استادان گروه مطالعات کشورهای آلمانی زبان، علاوه بر پرسش، نقدهایی به شکل برخورد با مسلمانان در اروپا مطرح شد. از نظر منتقدان، نگاه مغرضانه رسانه‌های ارتباط جمعی در اروپا تا حدی مانع از ایجاد گفتگویی مناسب و بی‌طرفانه می‌شود. اما استادان اتریشی تنوع قومیت‌های مسلمان و اتفاقات متنوع در گوشه گوشه دنیا را که به اسم مسلمانان تمام می‌شود تا حدی عامل این جبهه‌گیری دانستند.

در پایان این نشست، استادان اتریشی با ابراز خرسندی از شکل‌گیری چنین برنامه‌ای، از انگیزه علمی و نقد دانشجویان و استادان گروه مطالعات کشورهای آلمانی زبان تمجید کردند و تمایل خود را برای برگزاری چنین نشست‌هایی در آینده نیز اعلام داشتند.

پیش از برگزاری این نشست استادان اتریشی؛ دکتر اشتفان هامر و دکتر ولفگانگ میلرفانک در دیدار با دکتر محمد مرنندی، رئیس دانشکده مطالعات جهان، و دکتر مهدی آهویی، مشاور امور بین‌الملل دانشکده، بر اهمیت و نقش کرسی‌های علمی در باب اسلام‌شناسی و کشورشناسی تأکید کردند. در این گفت‌وگو به نقش اتریش به عنوان پایگاهی مناسب برای اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی در اروپا در کنار آلمان اشاره شد.

شیخ مصطفی رهنما؛

نکوداشت ۶۰ سال تلاش برای آزادی فلسطین

جلسه نکوداشت شیخ مصطفی رهنما، پیشکسوتی با ۶۰ سال فعالیت در زمینه مطالعات و آزادی فلسطین، در دانشکده مطالعات جهان برگزار شد.

این جلسه با همکاری انجمن ایرانی مطالعات جهان، جمعیت حامیان آزادی قدس شریف، جمعیت دفاع از ملت فلسطین، مرکز مطالعات فلسطین، اتحادیه بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی مدافع حقوق ملت فلسطین و دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین روز چهارشنبه دوم اسفندماه ۱۳۹۱ با حضور پرشور علاقه‌مندان به این حوزه مطالعاتی شکل گرفت.

در ابتدای نشست، دکتر محمد مرنندی، رئیس دانشکده مطالعات جهان، با اشاره به مطالعه موردی کشورهای جهان به عنوان هدف تأسیس دانشکده، بر اهمیت مسئله فلسطین از هر دو جنبه اسلامی و انسانی تأکید کرد. وی تجلیل از زحمت کشان حوزه کشورشناسی از جمله آقای رهنما را ضروری دانست.

در ادامه برنامه آقای صلاح الزواوی، سفیر فلسطین در تهران سخنرانی کرد. وی ضمن اشاره به دفاع از ملت فلسطین به عنوان قلب اسلام و یکی از ستون‌های نظام جمهوری اسلامی گفت: من خود با امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای همنشین بوده‌ام و شیخ رهنما را هم می‌شناسم و می‌دانم ایشان حمایت از فلسطین را به عنوان مسئله اصلی زندگی‌اش انتخاب کرده است و انشاءالله بتواند شاهد آزادی آن باشد. زواوی با انگشت گذاشتن بر ساده زیستی امام خمینی گفت: ایشان اگرچه از لحاظ مادی چیز زیادی از خود باقی نگذاشت اما میراث با ارزشی چون روحیه مجاهدت را به یادگار گذاشت که بخشی از آن این بود که راه‌حل‌های موقتی و میان‌مدت را قبول نمی‌کرد و به چیزی جز آزادی فلسطین رضایت نمی‌داد. سخنران بعدی جلسه، عباس سلیمی نمین، مدیر دفتر مطالعات و تاریخ معاصر بود. وی با



طرح مسئله استعمار و با اشاره به اسناد به جای مانده از آن زمان گفت: دلیل حساسیت مردم ایران به موضوع فلسطین دو نکته است؛ یکی اعتقادات دینی و دیگری مبارزه با استعمار. سلیمی گفت: استعمار در کشوری شکل نمی گیرد مگر مردم آن کشور تحقیر را بپذیرند. تأسیس کنندگان رژیم صهیونیستی با این دید اسرائیل را بنا کردند که "در دل منطقه ای بربر کشوری متمدن برپا کنند" و آرمان شیخ رهنما پایان دادن به تحقیری است که بر ملت فلسطین تحمیل شده است.

نشست با گفتار دکتر مجتبی رحماندوست، نماینده مجلس و کارشناس مسائل خاورمیانه ادامه یافت. دکتر رحماندوست به پشتکار مثال زدنی آقای رهنما اشاره کرد و گفت: وضعیت و شرح حال زندگی ایشان باید به نسل های جوان تر منتقل شود تا از وی الگو بگیرند و در ضمن کسانی که دینی بر گردن دارند دین خود را به چنین انسانی ادا کنند.

دیگر سخنران برنامه آقای حاج قاسم تبریزی، پژوهشگر تاریخ معاصر بود. وی برخی از وقایع مهم تاریخی مرتبط با تأسیس اسرائیل را برشمرد. به گفته وی تشکیلات صهیونیستی در ایران ۲۷ سال قبل از تأسیس اسرائیل اعلام موجودیت کرده بود. این تشکیلات اهدافی از قبیل ایجاد شعبه صهیونیسم در هر منطقه ای که این تشکیلات وجود ندارد، تنویر افکار و ارتقای اخلاق یهودیان ایران، برپایی قرائت خانه برای ترویج زبان عبری، برقراری ارتباط مستقیم با ارض مقدس و تدارک افراد حاضر به مهاجرت را دنبال می کرد.

آقای مرتضی میردار نیز در سخنان خود به شرح بخش دیگری از تاریخ تشکیل اسرائیل و ماجرای تصمیم گیری برای انتخاب سرزمین مقدس با هدف تأسیس این حکومت پرداخت. سپس آقای ناصر ابوشریف، نماینده جنبش جهاد اسلامی در تهران، این بزرگداشت را شایسته آقای رهنما دانست و از برگزارکنندگان مراسم تشکر و ابراز امیدواری کرد راه مبارزه برای آزادی فلسطین به پیروزی ختم شود.

آقایان رحمانی، شیخ الاسلام و سودانی نیزهریک در بیان خود بر ادامه مبارزه برای آزادی قدس و نیز ضرورت نکوداشت و قدردانی از زحمات افرادی نظیر آقای رهنما تأکید کردند. دکتر سعیدرضا عاملی، رئیس انجمن علمی مطالعات جهان، از این که انجمن نخستین جلسه نکوداشت خود را برای چنین شخصی تدارک دید، ابراز خشنودی کرد و افزود: بزرگداشت شیخ رهنما به معنای بزرگداشت فلسطین و در واقع حمایت از مسیر عدالت است.

در بخش پایانی سخنرانی ها، آقای رهنما از برگزار کنندگان مراسم و همچنین از خانم دکتر زهرا مصطفوی برای نگارش کتابی در زمینه فلسطین تشکر و برای آزادی قدس شریف ابراز امیدواری کرد.

در این مراسم فیلم هایی از مصاحبه های شیخ رهنما درباره ظلمی که به مردم فلسطین شده است و سخنان رهبری درباره ایشان پخش شد. برنامه با تقدیم هدایایی به آقای رهنما از سوی نهادهای برگزار کننده این نشست و با اهدای لوح یادبود شهرداری تهران با امضای حاضران در جلسه، و سرو کیک تهیه شده به مناسبت هشتاد و هفتمین سالروز تولد شیخ رهنما پایان یافت.



کارگاه ترکیه شناسی

اولین کارگاه از سلسله کارگاه های ترکیه شناسی ازسوی انجمن ایرانی مطالعات جهان، پنجم اسفند ماه ۱۳۹۱ در دو بخش در تالار های ایران و حنانه در دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران برگزار شد.

این سلسله کارگاه ها با مصوبه هیأت مدیره انجمن و در پی تأسیس گروه مطالعات ترکیه به ریاست دکتر اسدالله اطهری توسط انجمن برگزار شد.

در نخستین کارگاه، دکتر رضا دهقانی (استاد دانشگاه و مشاور ارشد انستیتو بین المللی مطالعات صلح خاورمیانه در آنکارا) و فرهاد پالیزدار (رئیس مرکز مطالعات فرهنگی بین المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) به دعوت انجمن برای اعضا و شرکت کنندگان صحبت کردند.

در بخش اول کارگاه با موضوع "حکومت و سیاست در ترکیه" دکتر رضا دهقانی سخنرانی کرد. وی بعد از تشکر از انجمن ایرانی مطالعات جهان دانشگاه تهران و آقای دکتر اطهری (رئیس کارگاه ترکیه شناسی) گفت: این کارگاه به عنوان اولین کارگاه از سلسله کارگاه های تخصصی در زمینه ترکیه شناسی است که در فواصل معین برگزار خواهد شد.

دکتر دهقانی قبل از آغاز بحث به دو کارکرد مهم این کارگاه اشاره کرد، اول از منظر دانش افزایی و دوم ارائه راهبرد. وی بحث خود را حول پنج محور مطرح کرد: ۱. ساختارهای سیاسی و حقوقی حکومت ۲. ادوار حاکمیت ۳. مدل سیاسی ترکیه، ۴. از سیستم پارلمانی تا نظام ریاستی، ۵. چشم انداز ترکیه در سال ۲۰۲۳، از این پنج محور مطرح شده سه مورد آخر در واقع نگاهی آینده پژوهانه به ترکیه دارند.

در بخش دوم کارگاه با موضوع "دیپلماسی فرهنگی ترکیه" فرهاد پالیزدار، ابتدا مختصری درباره دیپلماسی فرهنگی صحبت کرد. وی دیپلماسی فرهنگی را ابزار فرهنگی در بعد سیاست خارجی دانست و عنوان کرد: وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه در کشورهای مختلف فعال و پیگیر است و هم اکنون بسیاری از فعالیت های فرهنگی سفارتخانه این کشور به بنیاد یونس امره منتقل شده است. در زمینه دیپلماسی دینی، سازمان دیانت

ترکیه ابتدا برای ترک ها تأسیس شد اما در حال حاضر به امضای قرارداد با دیگر کشورهای مسلمان می پردازد.

پالیزدارسپس از آقای صادق ملکی (کارشناس ارشد وزارت امور خارجه) دعوت کرد که در مورد دیپلماسی فرهنگی ترکیه صحبت کند.

ملکی ابتدا به این نکته اشاره داشت که ترکیه تشخیص داد با تعامل با غرب می تواند پیشرفت کند، ترکیه امروز محصول نظامیان است. به گفته ملکی در داخل ایران دیدگاهها نسبت به ترکیه مثبت است و این کشور با اقبال عمومی در ایران روبه روست و در آمد بالایی در زمینه گردش گری دارد. اگر ترکیه با نظام بین المللی مشکل پیدا نکند و از مسئله کردها به سلامت عبور کند ،می تواند به چشم اندازی که ترسیم کرده است برسد.



وی افزود: اهداف ترکیه در دیپلماسی فرهنگی به نوعی با اهداف دیگر کشورهای اسلامی همخوانی ندارد. بسیاری از (NGO) ها در ترکیه بر روی پان ترکسیم تکیه می کنند و ترکیه با این دیپلماسی در ازبکستان مشکل دارد. دیپلماسی فرهنگی خواه ناخواه کشورها را منافع محور می کند و ترکیه در منطقه منافع خود را دنبال می کند..

در ادامه کارگاه پالیزدار از آقای احمد مرجانی نژاد (کارشناس ارشد مسائل ترکیه) برای شرکت در بحث دعوت کرد. وی نیز در زمینه دیپلماسی فرهنگی ترکیه به نکاتی اشاره نمود. طبق آماری که وی ارائه داد؛ هر ساله ۱/۵ میلیون گردشگر ایرانی از طیف های مختلف به آنتالیا می روند و ترک ها بر خلاف گذشته بسیار خوب پذیرایی می کنند. وی در ادامه صحبت خود، دیپلماسی دینی در ترکیه را دارای پیشینه خیلی قوی ارزیابی کرد و افزود: اولین دیپلماسی دینی ترکیه روی ینیچری ها متمرکز بود. و آماری در مورد ترکیب دینی ترکیه ارائه داد.

سپس شرکت کنندگان سؤال های خود را مطرح کردند و به بحث و تبادل نظر پرداختند.

سرانجام دکتر اسدالله اطهری (رئیس کارگاه و عضو هیأت مدیره انجمن) ضمن تشکر از حضار به این نکته اشاره کرد که این کارگاه ها ادامه خواهد داشت. شرکت کنندگان برای بهبود کارگاه می توانند نظرات و نقدهای خود را ارائه دهند و به شرکت کنندگان گواهی نامه اعطا خواهد شد.



بررسی پنج قرن روابط ایران و اتریش

نشست «ایران و اتریش؛ پنج قرن رابطه» با حضور پروفسور برت فراگنر، استاد ایران شناسی در دانشگاه آزاد برلین و دانشگاه وین و همچنین پژوهشگر مرکز ایران شناسی در اتریش، دکتر توماس بوکسباوم، سفیر اتریش در ایران، دکتر گئورگ واینگارتنر، رایزن اقتصادی سفارت اتریش و دکتر سعید فیروزآبادی، استاد دانشگاه تهران حضور داشتند.

نشست «ایران و اتریش؛ پنج قرن رابطه» با حضور پروفسور برت فراگنر، ایران شناس معروف اتریشی، با همکاری انجمن ایرانی مطالعات جهان و گروه و انجمن دانشجویی مطالعات کشورهای آلمانی زبان روز یکشنبه ۶ اسفند ۱۳۹۱ در دانشکده مطالعات جهان برگزار شد.



در آغاز نشست دکتر سعید فیروزآبادی ضمن معرفی میهمانان از خدمات پروفیسور فراگنر در زمینه ایران شناسی تقدیر به عمل آورد. سپس دکتر محمد رضا دوستی زاده با معرفی گروه مطالعات کشورهای آلمانی زبان و فعالیت های انجمن به برگزاری این گونه نشست های علمی تأکید کرد. این گروه در کنار فعالیت های علمی خود در داخل کشور با چند دانشگاه آلمان از جمله دویسبورگ- اسن تبادل آکادمیک دارد و در زمینه مطالعات اتریش نیز خواستار راه های پیشنهادی برای همکاری شد. دکتر بوکسباوم با استقبال از این موضوع، آمادگی خود را برای ایجاد هر گونه روابط علمی بین دانشگاه تهران و دانشگاه های اتریش اعلام کرد. وی روابط دو کشور را طولانی مدت و بر اساس منافع مشترک مانند وضع کنونی خواند. نقش مهم ایران در خاورمیانه و ظرفیت های این کشور در ادامه موضوع روابط با اتریش نیز از جمله مواردی بود که به آن اشاره کرد.

دکتر بوکسباوم افزود: زمینه های فرهنگی و هنری بسیار زیادی وجود دارد که هر ساله تعداد زیادی میهمان اتریشی را به سوی ایران می کشاند که در این زمینه دفتر فرهنگی اتریش تلاش زیادی انجام می دهد. زمینه های اقتصادی و بازرگانی زیادی نیز وجود دارد که بسیاری از شرکت های اتریشی را در آن دخیل کرده است، یک نمونه از آن همکاری شرکت اتریشی در ساخت تونل نیایش تهران است.

پروفیسور فراگنر نیز در سخنان خود رشته

■ آغاز روابط ایران و کشور اتریش منافع مشترک این دو کشور بود که با توجه به حمایت ایران در گذشته از این روابط و نیز حمایت متقابل اتریش، این دو کشور سرآغاز روابط خود را مناسبات جنگی و سیاسی دیدند و سپس تبادل فرهنگی ادامه دهنده این راه بود



ایران‌شناسی را یکی از رشته‌های مهم دانشگاهی خواند و گفت : با توجه به این که ایران شناسی از جمله مطالعات بین رشته ای به حساب می‌آید، حمایت از آن را لازم دانست. از نظر وی مطالعه در مورد ایران با توجه به تاریخ چند هزار ساله آن امری ضروری است زیرا با مطالعه ایران می‌توان به مناسبات فرهنگی، تاریخی و سیاسی آن و قلمرو تاریخی اش پی برد.

این ایران شناس معروف اظهار داشت: آغاز روابط ایران و کشور اتریش منافع مشترک این دو کشور بود که با توجه به حمایت ایران در گذشته از این روابط و نیز حمایت متقابل اتریش، این دو کشور سرآغاز روابط خود را مناسبات جنگی و سیاسی دیدند و سپس تبادل فرهنگی ادامه دهنده این راه بود. تأثیرات فرهنگی متقابل و سفرهای جهانگردی نیز بی‌تأثیر نبودند.

با ادامه کار نشست، دکتر گئورگ واینگارتنر، رایزن اقتصادی و بازرگانی سفارت اتریش در تهران با اشاره به روابط اقتصادی گسترده دو کشور گفت: اتریش با حجم بالایی مناسبات

اقتصادی و رتبه رضایت بخش خود در مقایسه با کشورهای همسایه و نیز رقم بیکاری پایین، توانسته روابط خود را با ایران همیشه در سطح خوبی نگه دارد.

وی ایران را بازار مناسبی برای کشور خود دانست و از حضور بیش از ۵۰ شرکت اتریشی در ایران خبر داد و افزود: اقلام صادراتی به ایران از کشور اتریش شامل ماشین آلات، لوازم پزشکی و دارویی و در مقابل واردات مواد خوراکی و معدنی، پتروشیمی و فرش می‌شود.

در ادامه برنامه دانشجویان و استادان گروه مطالعات کشورهای آلمانی زبان سؤال‌های خود را با سخنرانان در میان گذاشتند و ضمن تبادل نظر، به بررسی نقش این دو کشور در روابط بین‌الملل پرداختند.

در پایان دکتر بوکسباوم، از علاقه و انگیزه دانشجویان گروه مطالعات کشورهای آلمانی زبان تمجید و از ادامه چنین نشست‌هایی استقبال کرد. نشست ایران و اتریش؛ پنج قرن رابطه، توسط گروه و انجمن علمی مطالعات کشورهای آلمانی زبان و انجمن ایرانی مطالعات جهان برگزار شد.



بررسی منازعات مسلحانه در فلسطین از منظر حقوق بین الملل

بررسی منازعات مسلحانه در فلسطین از منظر حقوق بین الملل

پایان نامه کارشناسی ارشد
دانشکده حقوق

استاد راهنما: توکل حبیب زاده
استاد مشاور: رضا موسی زاده
دانشجو: معصومه امامیان

۱۳۹۰

چکیده: اشغال سرزمین فلسطین و تشکیل رژیم صهیونیستی در این سرزمین، نتیجه اهداف نظام سلطه و استعمار جهانی است که واقعیت تاریخی فلسطین، حق تعیین سرنوشت ساکنان اصلی این سرزمین را نادیده انگاشت و زمینه تشکیل دولتی بیگانه، استعمارگر، اشغالگر و نژادپرست را در فلسطین فراهم کرد. مصادماتی که منجر به درگیری های مسلحانه در سال های ۱۹۴۸م، ۱۹۶۷م، ۱۹۷۳ و ۲۰۰۸م شد مطابق با مقررات، اصول و قواعد حقوق بین الملل از جمله منشور ملل متحد و حقوق بشر دوستانه بین المللی به ویژه پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷نبود و در راستای اشغالگری و نقض داشتن حق استقلال، تمامیت ارضی و سیاسی فلسطینیان در این سرزمین روی داد و از مصادیق مصادمات مسلحانه بین المللی تلقی می شود و در چارچوب حقوق بین الملل در جهت مقابله با تعیین سرنوشت ملت فلسطین در مقابله با استعمار، اشغالگری و سلطه دولت بیگانه به حساب می آید.

(تهیه و تنظیم: الهه قربانزاده)

بررسی اجرای کنوانسیون های چهار گانه ژنو و نقض حقوق بشر دوستانه در فلسطین اشغالی

موضوع این پژوهش بررسی اجرای کنوانسیون های چهارگانه ژنو و نقض حقوق بشر دوستانه در فلسطین اشغالی است. مسأله اشغال نظامی از پیامدهای مهم جنگ است. منابع حقوق بین المللی اشغال شامل منابع قراردادی عبارت اند از: مقررات لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ هم چنین حقوق بین الملل عرفی، قطعنامه های شورای امنیت و آرای محاکم بین المللی. علی رغم تلاش نهادهای بین المللی، اشغال تداوم داشته و ساکنان مناطق اشغالی هنوز از حداقل حقوق انسانی محروم مانده اند.

مقررات حقوق بین الملل بشر دوستانه اعم از مقررات قراردادی و عرفی بسیار جامع و کار سازند، آنچه نقض جدی این حقوق در مناطق اشغالی در فلسطین را سبب می شود دلایل سیاسی دارد.



بررسی اجرای کنوانسیون های چهار گانه ژنو و نقض حقوق بشر دوستانه در فلسطین اشغالی

استاد راهنما : حسین شریفی طرازکوهی

استاد مشاور : نسرين مصفا

دانشجو : آذر کیانی

۱۳۸۹

(تهیه و تنظیم: الهه قربانزاده)

نگرش اصلاح طلبانه اسلام گرایی در ترکیه

پژوهش حاضر محصول سال ها فعالیت فکری و سیاسی نگارنده آن است که با همکاری استادان نامبرده به شکل کنونی درآمده است. وی در این پژوهش ریشه ها، دلایل شکل گیری، دوره های تحول، دیدگاه ها، روش ها، فرصت ها و چالش های اسلام گرایی در ترکیه را در پرتو نگرش اصلاح طلبانه کاوش می کند و به این علت که امکان پیش بینی برای آینده ترکیه را فراهم می آورد، اهمیت زیادی دارد. این رساله در پنج فصل تنظیم شده است که بعد از مقدمه ای کوتاه و بیان طرح تحقیق، فصول آن به ترتیب زیر می آید:

فصل اول؛ ریشه های تاریخی و سیاسی اسلام گرایی. فصل دوم؛ احزاب و گروه های اسلام گرا. فصل سوم؛ تقابل و تعامل سنت و مدرنیته. فصل چهارم؛ نگرش اصلاح طلبانه و فصل پنجم؛ فرصت ها و چالش های اسلام گرایی و در انتها نتیجه گیری بحث مطرح شده است.

از نگاه نگارنده، مسایل و مشکلات نشأت گرفته از تعامل و تقابل سنت و تجدد باید از نظر سیاسی و جامعه شناختی نیز مورد بررسی عمیق قرار گیرد، به ویژه تشخیص تأثیر گذاری دین در برابر تجدد، از نظر تحقیقات

جامعه شناختی دینی حائز اهمیت است، زیرا تقابل و تعامل سنت و تجدد در ترکیه مدرن از دوگانگی ها و الزامات زندگی جامعه مسلمان آن کشور در یک نظام جمهوری سکولار نشأت می گیرد.

از مشکلات اصلی ترکیه در این جا نامشخص بودن هویت این کشور است، زیرا روشنفکران غربگرا می خواهند میهنشان جزیی از اروپا شناخته شود، اما جمعیت قابل ملاحظه ای از مردم ترکیه مسلمانند که برای میهنشان هویتی اسلامی را خواستارند.

تعامل دین و دولت در ترکیه تعاملی نامتعادل و نابرابر است لذا از الغاء خلافت تا کنون، زمان به نفع دولت مدرن و سکولار سپری شده است و در چند دهه اخیر، اسلام گرایی در ترکیه پیوسته در حال دگرگونی اصلاح طلبانه در اندیشه ها و روش های خود بود. پرسش مطرح در این پژوهش که بسیار قابل تامل است، این است که علت پیدایی اصلاح طلبی اسلامی در ترکیه چیست و چه پیامدهایی برای اسلام سیاسی این کشور دارد؟ نگارنده در پاسخ به این سؤال این فرضیه را ارائه می کند، تعامل سنت و تجدد سبب دگرگونی اصلاح طلبانه اسلام گرایی در ترکیه شده است.

از آن جایی که این پژوهش براساس دانسته های تاریخ سیاسی ترکیه شکل گرفته است برای اجرای این طرح از روش تاریخی و توصیفی استفاده شد و هدف آن تجزیه و تحلیل و تفسیر رفتار و اندیشه های سیاسی گذشته به منظور کشف ویژگی های متفاوت، متناقض یا مشترک است که می تواند در درک و فهم بهتر رفتار سیاسی جامعه ترکیه و تأثیر آن در شکل گیری و رشد اسلام گرایی مفید باشد. در واقع بررسی ابعاد مختلف اسلام گرایی در این پنج فصل، نتایج ملموسی را ارائه می کند.

اسلام گرایی در ترکیه، برخلاف تصور، اسیر متن یا تفاسیر کلاسیک از متن نیست و به سادگی می تواند با ذهنیتی باز و آگاهانه به مفاهیم مدرن بنگرد.



دانشگاه تهران
پایان نامه دکتری

نگرش اصلاح طلبانه اسلام‌گرایی در ترکیه

استاد راهنما : دکتر عبدالرحمن عالم
استادان مشاور: دکتر حمید احمدی،
دکتر محسن خلیجی
استاد داور: سید اسدالله اطهری
دانشجو: احمد جانسیر

۱۳۸۵

اراده دینی اسلام‌گرایی می‌تواند هدف خود را پیایی به تعویق اندازد، نگاهی به صحنه سیاسی ترکیه نشان می‌دهد با توجه به تغییرات اساسی که در ساختار صحنه سیاسی ترکیه رخ داده است، حضور نیروهای مذهبی به شکل قوی و مؤثر در انتخابات حزبی می‌تواند نقش مهمی در رشد و گسترش این نیروها ایفا کند و بدیهی است چندگانگی و گروه‌گرایی متعدد از تمرکز آرای آنان خواهد کاست. وضعیت جهانی و اوضاع داخلی ترکیه و مبانی توسعه آن نشان داده است که در وضعیت کنونی هیچ نوع حرکت برانداز مذهبی نمی‌تواند موفق شود و حرکت‌هایی که در چارچوب قانونی عمل می‌کنند و از امکانات موجود در دموکراسی ترکیه بهره می‌برند در طولانی مدت می‌توانند اثرات عمیق‌تری در ساختار سیاسی و فرهنگی جامعه برجای بگذارند.

(تهیه و تنظیم: سحر تقی‌پور)

